رساله اول به تسالونیکیان

The First Epistle to the Thessalonians

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org
January 2, 2008
Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیمِ موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوه‌ی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده که از اصولِ صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمنِ وفاداری به اصول تفسیر، همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتابِ حاضر انتخاب شایسته‌ای برای مطالعات انفرادی و گروهیِ کتاب‌مقدس خواهد بود.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.
— All Rights Reserved —

مقدمه

«این نامه بیشتر از سایر نامه‌های پولس از ویژگی سادگی، لطافت و جذابیت... برخوردار است. در اینجا هیچ منازعه‌ای وجود ندارد.»

– گراهام اسکورجی (W. Graham Scroggie)

الف) جایگاه منحصر به فرد در میان کتب مقدس

اولین کتابی که بوسیله یک نویسندهٔ مشهور نوشته می‌شود معمولاً ارزش زیادی به عنوان نشان دهندهٔ تأکید و عطای مکاتبه دارد. اول تسالونیکیان شاید اولین نامهٔ الهامی پولس باشد. نتیجه جالب تعالیم مسیحی که پولس رسول قادر بود در این رسالهٔ کوتاه به تسالونیکیان ارائه دهد واضحاً نشان می‌دهد که بسیاری از تعالیمی که او در اینجا مورد بحث قرار می‌دهد بوسیلهٔ تسالونیکیان شناخته شده بوده‌اند. امروزه ربوده شدن و بازگشت ثانوی خداوند، اعتقاد شناخته شده‌ای است و مسیحیان پروتستان منتظر آن هستند. همیشه اینطور نبوده است. احیاء جذابیتِ این آموزه خصوصاً از طریق نوشتهأهای برادران اولیه در بریتانیای کبیر (۱۸۲۵–۱۸۵۰) به گستردگی بر اول تسالونیکیان استوار بودند. بدون این نامهٔ کوتاه ما در فهم خود از نظریه‌هایِ مختلف راجع به بازگشت مسیح جداً محروم می‌شدیم.

ب) نویسنده

اینکه اول تسالونیکیان یک رساله خاص پولس رسول است بوسیلهٔ هیچکس از محققین کتاب‌مقدس رد نشده است. تضمین این امر چنانچه فریم (J. E. Frame) می‌گوید کافی است: «این رساله پولس است مگر اینکه کسی آماده باشد ادعا کند که پولس هرگز نزیسته است یا هیچ نامه‌ای از او باقی نمانده است». شواهد خارجی که بر پولس به عنوان نویسنده تأکید می‌کند در نوشته‌های پلی کراپ، اینگناتیوس و جوستین و همچنین کانون مارسیون و موراتوری (اولین فهرست از نوشته‌های مقدس مسیحیان) یافت می‌شود.

شواهد داخلی، سبک و کلمات خاصِ پولس است و دلسوزی قلبی یک پدرِ روحانی. ضرورت تاریخی این رساله با اعمال رسولان می‌خواند. هم در ۱:۱ و هم در ۱۸:۲ نویسنده، خود را پولس خطاب کرده است.

ج) تاریخ نگارش

اول تسالونیکیان، از قرنتس در هنگامی که پولس هجده ماه در آنجا مانده نوشته شده است و زمان نوشته شدن آن زیاد دورتر از زمانیکه تیموتائوس نزد پولس آمد نمی‌باشد (اول تسالونیکیان ۶:۳، ۱۷:۲). از آنجائیکه غالیون (اعمال۱۸) به عنوان فرماندار نامش در اوایل تابستان ۵۱ میلادی آمده است، پولس می‌بایست در اوایل ۵۰ بدانجا رسیده و نامه را نوشته باشد. همهٔ محققین تاریخ نگارش کتاب را در حدود اوایل سال ۵۰ میلادی رقم زده‌اند و

این احتمالاً، مطمئن‌تر است که ما تاریخِ نگارش نامه را صریحاً در ۵۰ یا ۵۱ میلادی یعنی فقط ۲۰ سال پس از صعود خداوندمان بدانیم.

د) پس زمینه و موضوع

اولین باری که نور انجیل، ظلمتِ تسالونیکیان را در هم شکست در طی سفر دوم بشارتی پولس بود (اعمال۱۷:۱ـ۱۰).

پس از اینکه پولس و سیلاس از زندان فیلپی آزاد شدند، به تسالونیکیه، اَمفپولس و اپلونیه رفتند. تسالونیکی در آن زمان یک شهر هم از لحاظ دولتی و هم ارتباطی سوق الجیشی بود. پولس بر طبق نقشه به کنیسه یهود رفت و از عهدعتیق نشان داد که مسیح رنج برده و از میان مردگان برخاسته است. سپس او ادامه داده و اظهار داشت که عیسی ناصری، مسیح موعود بوده است. این امر سه هفته به طول انجامید. بعضی از یهودیان قانع شده و با پولس و سیلاس و دیگر ایماندارن ساکن شدند. همچنین بسیاری از یونانیان جدیدالایمان و عده کمی از زنان رهبر در شهر تغییر گرایش یافتند. سپس واکنش شدید شدوع شد. آن دسته از یهودیانی که ایمان نیاورده بودند عده‌ای از اوباش را در بازار جمع کرده و به سمت خانه یاسون بسیج کردند یعنی جائیکه پولس و سیلاس در آن مانده بودند. وقتیکه ایشان، واعظین را در آن خانه نیافتند یاسون و بعضی دیگر از ایمانداران را گرفته و به نزد حاکمان شهر (دولتمردان) بردند و از ایشان شکایت کردند که اینها جهان را بر عکس نموده‌اند. این یک تعارفِ نامتحد بود! سپس آنها مسیحیان را به توطئه به ضد قیصر برای براندازی او بوسیله برانگیختن پادشاهی دیگر به نام عیسی محکوم کردند. دولتمردان به مشکل برخوردند. آنها از یاسون و دیگر همکاران او خواستند تا مهمانان خود را از شهر بیرون کنند. سپس یاسون و دیگران آزاد شدند.

برادران مسیحی در تسالونیکی تصمیم گرفتند مستقیماً به واعظین فرامینی حکیمانه برای ترک شهر بدهند پس آنها، واعظین را در شب به تبیریه فرستادند. مسئله چشمگیر این است که وقتی پولس و سیلاس از هم جدا شدند، گروه عبادت کنندگان کلیسا را که آموزش دیده بودند ترک کردند چون آنها می‌توانستند جفاها را متحمل شوند. آسان است که از اعمال ۲:۱۷ چنین نتیجه‌گیری کنیم که پولس و همکاران او در تسالونیکیه برای فقط سه سبت توقف نمودند. بهر حال، این دورهٔ خدمتِ تعلیم آنها در کنیسه بود. پولس و گروهش سه ماه را در آن شهر سپری کردند. نامهٔ پولس رسول به آنها نشان می‌دهد که تسالونیکیان تسلط زیادی به آموزه‌های مسیحیت داشته‌اند و به سختی این آموزه‌ها را در سه یا چهار هفته می‌توانسته‌اند تعلیم بگیرند.

پولس از تبیریه به آتن رفت (اعمال۱۵:۱۷). در آنجا او شنید که ایمانداران در تسالونیکیه مورد جفا واقع شده‌اند. او سعی کرد که ایشان را ملاقات کند ولی شیطان مانع شد (اول تسالونیکیان ۱۷:۲ـ۱۸) بنابراین او تیموتائوس را به نزد ایشان فرستاد (۱:۳ـ۲). تیموتائوس گزارش فرستاد که در کل امیدوار کننده بود (۶:۳ـ۸)، و این پولس رسول را برانگیخت تا این نامه را بنویسد. در آن، او از خدمتِ خود بر ضد حملاتِ بدگویان دفاع می‌کند. او دعوت می‌کند که ایمانداران از فرهنگهایی فانی خود را جدا بسازند. او سو تفاهمی که راجع به کسانی که در مسیح مرده‌اند را بر

می‌دارد؛ او کسانی که به بهانهٔ آمدن مسیح دست از کار کشیده‌اند را توبیخ می‌کند؛ و او مقدسین را تشویق می‌کند تا به رهبرانِ روحانی خود احترام بگذارند. یکی از مهمترین پیش زمینهٔ اول تسالونیکیان بازگشت خداوند عیسی است. این اشارات را به هم متصل کرده و اینطور خلاصه می‌کند:

یک مسیحی که در انتظار بازگشت خداوند عیسی است:

۱ـ در قلبش هیچ بتی ندارد (۱:۹و۱۰)

۲ـ در خدمتش مشغول است (۲:۹و۱۹)

۳ـ در رابطه با دیگران با محبت است (۳:۱۲و۱۳)

٤ـ در ذهنِ خود پریشانی ندارد (٤:۱۳ـ۱۸)

۵ـ در زندگیش گناهی وجود ندارد (۵:۲۳).

طرح کلی اول تسالونیکیان

۱ـ سلام‌ها (۱:۱)

۲ـ رابطهٔ شخصی پولس با تسالونیکیان (۱:۲ـ۳:۱۳)

الف: شکرگزاری پولس برای تسالونیکیان (۱:۲ـ۱۰)

ب: بازنگری پولس به خدمت، پیغام و رفتارش در تسالونیکیه (۲:۱ـ۱۲)

پ: بازنگری عکس‌العمل تسالونیکیان در قبال انجیل (۲:۱۳ـ۱٦)

ت: توضیح پولس برای عدم بازگشت به تسالونیکیه (۲:۱۷ـ۲۰)

ث: مأموریت تیموتائوس در تسالونیکیه (۳:۱ـ۱۰)

ج: دعای خاص پولس (۳:۱۱ـ۱۳)

۳ـ نصایح عملی (٤:۱ـ۵:۲۲)

الف: تقدسی که اراده خدا را به انجام می‌رساند (٤:۱ـ۸)

ب: محبتی که به فکر دیگران است (٤:۹ـ۱۰)

پ: زندگی در نظر خارجیان (٤:۱۱ـ۱۲)

ت: امیدی که ایمانداران را راحتی می‌بخشد (٤:۱۳ـ۱۸)

ث: روز خداوند (۵:۱ـ۱۱)

ج: نصایح مختلف به مقدسین (۵:۱۲ـ۲۲)

٤ـ تحیات پایانی به تسالونیکیان (۵:۲۳ـ۲۸)

تفسیر

۱ـ سلام‌ها (۱:۱)

نامه با اسمِ چهار مرد شروع می‌شود که راجع به آنها گفته شده است جهان را واژگون کرده‌اند. این حکم، یک تهمت بود؛ این عملاً یک ستایش بود. پولس نویسندهٔ رساله است. سلوانس و تیموتائوس با او در آن زمان همسفر بودند بنابراین او اسامی ایشان را در اینجا ذکر می‌کند. سلوانس احتمالاً همان سیلاس است که در زندان فیلپی با پولس سرود می‌خواند (اعمال۱۶:۲۵). تیموتائوس برادر جوانی از لستره بود که درست قبل از مسافرت پولس به تسالونیکیه با او همسفر شده بود (اعمال۱۶:۱).

این نامه به کلیسای تسالونیکیان که در خدای پدر و عیسی مسیح خداوند می‌باشد نوشته شده است. کلمه‌ای که ما آنرا کلیسا ترجمه می‌کنیم در آن زمان به هر جماعتی اطلاق می‌شد، بنابراین پولس می‌خواست روشن کند که این یک جماعت کافر نیست بلکه جماعتی که در خدای پدر و خداوند عیسی مسیح هستند. تحیاتِ فیض ... و سلامتی بهترین برکات را که هر کس می‌تواند در آسمان از آن لذت ببرد شامل می‌شود. فیض، لطف الهی برای ما در زندگی‌هایمان می‌باشد که ما هرگز شایسته آن نیستیم. سلامتی، آرامشی است که با وجود شرایط سخت و رنج‌آور زندگی در ما ساکن است. فیض دلیل است و سلامتی نتیجه آن. پولس نام دوگانه آسمانی را به عنوان منشأ مساوی برکات ذکر می‌کند، و اینکار را بوسیلهٔ قرار دادن ضمیر شخصی ملکیِ (ما) در مقابل پدر انجام می‌دهد.

۲ـ رابطهٔ شخصی پولس با تسالونیکیان (۱:۲ـ۳:۱۳)

الف: شکر گزاری پولس برای تسالونیکیان (۱:۲ـ۱۰)

۱:۲،۳ . پولس هر وقت دعا می‌کند تسالونیکیان را به یاد می‌آورد. (آیا ما نیز مثل او در به یاد آوردن خواهران و برادران مسیحی خود وفادار هستیم؟) او همیشه با شکر گزاری برای آنها دعا می‌کند و عمل ایمان آنها، محنت محبت و صبر امید ایشان را به یاد می‌آورد. عمل ایمان احتمالاً به تغییر گرایش آنها بسوی خدا اشاره دارد. توصیف ایمان به عنوان عمل ما را به یاد بعضی از مردم می‌اندازد که از عیسی می‌پرسیدند: «چه کنیم تا اعمال خدا را بجا آورده باشیم؟» عیسی در جواب ایشان گفت: «عمل خدا این است که به آن کسی که او را فرستاده، ایمان بیاورید.» در این مفهوم، ایمان یک عمل یا فعالیت است. ولی این عمل، رنجی نیست که یک انسان بوسیله آن می‌تواند چیزی کسب کند یا به آن فخر نماید. در حقیقت، این تنها کاری است که انسان می‌تواند بدون دست بردن به جلال مسیح به عنوان نجات دهنده و بدون انکار روند شخصی خود به عنوان یک گناهکار بی‌چاره ظاهر سازد. ایمان یک عمل دست نیافتنی است که بوسیله آن، مخلوق، خالق خود را می‌شناسد و گناهکار، نجات دهنده خود را. عبارت عمل ایمان همچنین شامل حیات ایمانی که در پی توبه می‌آید نیز می‌باشد.

پولس بعلاوه عمل ایمان آنها، محنت محبت ایشان را نیز به یاد می‌آورد. این از خدمت آنها به خدا که بوسیله محبت خدا موجب می‌شود سخن می‌گوید. مسیحیت، زندگی بوسیله وظیفه نیست بلکه یک شخص مسیحی بخاطر محبت خدمت می‌کند. غلام او بودن یعنی کاملاً آزاد بودن و "محبت برای او یعنی کار پر زحمت آسمانی". در مقایسه با محبت، انگیزه سود خیلی بی‌ارزش می‌باشد. محبت برای مسیح خدمتی را پیش روی ما می‌گذارد که دلار هرگز نمی‌تواند. تسالونیکیان با زندگی خود به این حقیقت شهادت می‌دادند.

سرانجام، پولس بجهت صبر امید ایشان شکرگذار بود. این از انتظار بی‌وقفهٔ ایشان برای عیسی سخن می‌گوید. آنها جفاها را به عنوان نتیجه ایستادن شجاعانه‌شان برای مسیح می‌دیدند. ولی هیچ شکافی در آنچه که فیلیپس "تحمل سر سختانه و راست" آنها می‌نامد وجود نداشت.

جایگاه به یاد داشتن بوسیله این عبارت نشان داده شده است: در حضور خدا و پدر خود. چنانچه پولس به حضور خدا در دعا وارد می‌شد، متولد روحانی و رشد مقدسین را به یاد آورده و بای ایمان، امید و محبت ایشان دعا می‌نمود.

۴:۱ . پولس رسول مطمئن بود که این مقدسین بوسیله خدا پیش از بنیاد عالم برگزیده شده‌اند. ولی او چگ.نه می‌دانست؟ آیا او بصیرتی فوق طبیعی داشت؟ نه، او می‌دانست که آنها از همان طریقی که انجیل را دریافت کردند برگزیده شده‌اند.

آموزهٔ برگزیدگی تعلیم می‌دهد که خدا مردم بخصوصی را در مسیح پیش از بنیاد عالم برگزید (افس۴:۱). این آموزه تعلیم نمی‌دهد که او بعضی را نیز برای هلاک شدن یرگزیده است. هر که به جانب مسیح آید، مسیح با آغوش گرم از او استقبال می‌کند.

این دو آموزه، برگزیدگی و آزادی انتخاب، تضادی باور نکردنی در ذهن بشر ایجاد می‌نماید. ولی کتاب مقدس هر دوی آنها را تعلیم می‌دهد و بنابراین ما باید به هر دو ایمان داشته باشیم حتی اگر چه با هم هماهنگ نباشند.

ما نمی‌دانیم برگزیدگان چه کسانی هستند و بنابراین باید انجیل را به تمام دنیا ارائه بدهیم. گناهکاران نمی‌توانند از آموزهٔ برگزیدگی به عنوان بهانه‌ای برای ایمان نیاوردن استفاده کنند. اگر ایشان توبه کرده و به خداوند عیسی مسیح ایمان بیاورند، خدا آنها را نجات خواهد داد.

۵:۱ . پولس بوسیله انجیل ما نمی‌خواهد بطور ضمنی پیغام متفاوتی از دیگر رسولان را بگوید. مضمون پیغام همهٔ رسولان مشابه بود؛ پیغامبران متفوت بودند. تسالونیکیان با پیغام به عنوان یک سخنرانی معمولی مذهبی برخورد نمی‌کردند؛ آنها البته، آن را در کلام یافته بودند ولی نه فقط در کلام.

این پیغام با قوت و روح‌القدس و تعیین کامل به ایشان رسیده بود:

۱) با قوت: پیغام در زندگی‌های ایشان با قدرت فوق‌العاده کار کرده و آنها از گناه روی گردانده، توبه کرده و تغییر گرایش داده بودند.

۲) در روح‌القدس: این قوت از جانب روح‌القدس صادر می‌شد.

۳) در تعیین کامل: پولس با اطمینان زیادی پیغامش را موعظه می‌نمود. تسالونیکیان آن پیغام را با تعیین کامل مثل کلام خدا می‌پذیرفتند. نتیجه آن در زندگی‌های ایشان ایمانی پایدار و مطمئن بود.

پولس حالا بدیشان رفتاری که در زمان بودنش با ایشان با آنها داشت را خاطر نشان می‌سازد. او نه تنها انجیل را موعظه نمود، بلکه بر طبق آن زندگی نیز کرد. بهترین موعظه داشتن یک زندگی مقدس است.

۶:۱ . پس پولس می‌تواند بگوید: «و شما به ما و به خداوند اقتدا نمودید». یک شخص ممکن است از او انتظار داشته باشد که بگوید: «به خداوند و به ما اقتدا نمودید» و در واقع نام خداوند را اول بیاورد. ولی در اینجا او ترتیب تجربه آنها را بیان می‌کند. اولین معرفی آنها به خداوند عیسی، زندگی پولس رسول بود.

هوشیارانه است اگر اینطور فکر کنیم که مردم گمان می‌کنند می‌توانند مسیح را در ما ببینند. ما باید قادر باشیم با پولس بگوییم: «پس اقتدا به من نمایید چنانکه من نیز به مسیح» (اول قرنتیان۱۱:۱).

توجه داشته باشید که آنها کلام را با زحمت و خوشی پذیرفتند. این همان طریقی است که بوسیله آن، ایشان از خداوند و رسولان پیروی نمودند. ظاهراً آنها در زحمت بودند؛ باطناً در خوشی. این یک ترکیب غیر معمول است! برای انسانهای دنیود، غیر ممکن است که در آن واحد هم رنج و هم خوشی را تجربه کنند؛ برای یک انسان دنوی غم متضاد خوشی است. یک مسیحی خوشی روح‌القدس را دارد که شرایط مستقلی است؛ برای او، متضاد خوشی، گناه می‌باشد.

زحمتی که آنها متحمل می‌شدند، جفایی بود که در پی تغییر گرایش آنها پدید آمده بود.

۷:۱ . تسالونیکیان تبدیل به مسیحیان نمونه‌ای شدند. اولاً، نمونه خوشی ایشان در میان جفا، نمونه‌ای برای ایمانداران در مکادونیه و اخائیه شد که این یعنی همهٔ مسیحیان یونان.

۸:۱ . ولی شهادت ایشان در همانجا متوقف نشد. آنها به مسیحیان ثمر بخشی تبدیل شدند. مانند موجی در آب استخر، کلام خداوند از آنها منتشر می‌شد: اول در مکادونیه و اخاییه، سپس در هر جا. به زودی خبر ایمان ایشان به خدا در همه جا منتشر شد که پولس نیز حتی راجع به آن سخن نگفته بود بلکه مردم خودشان این را می‌دانستند.

از ما خواسته نشده است که ایستگاه نهایی برکات باشیم بلکه کانال‌هایی که از طریق ما برکات به دیگران تراوش کنند. خدا در قلبهای ما می‌درخشد تا نور او از درون ما به دیگران بتابد (دوم قرنتیان٤:٦). اگر ما واقعاً آب نجات را نوشیده باشیم، پس نهرهای آب زنده حتماً از ما به دیگران خواهد رسید (یو۷:۳۷،۳۸).

۹:۱ . مسأله در اینجا همان مکالمه معمولی است که وقتی پولس رسول و دیگر همکارانش در تسالونیکیه بودند، آن را به عنوان یک خوشآمد گویی ملوکانه دریافت نمودند. همچنین این امر به یک دانش عادتی تبدیل شده بود که در زندگی بسیاری تغییرات اساسی ایجاد نموده بود. آنها از بتها به سوی خدا بازگشت کردند و به عنوان علامان تسلیم اراده خدا شدند. این امر بدین معنا نیست که ایشان با بتها تغذیه شده و حالا به خدا هم شانسی می‌دادند. توجه داشته باشید که آنها به سوی خدا از بتها بازگشت نمودند و نه از بتها به سوی خدا. نه، آنها بسوی خدا بازگشتند و در او به همه چیز رسیدند و راضی شدند و از آن پس بتهایِ خود را دور ریختند.

این نگاهیست که پطرس را تبدیل نمود

این چهره ایست که استیفان دید

این قلبی است که با مریم گریست

با اینها می‌توان از بتها جدا شد (Ora Rowan)

بیایید هرگز حس ترس و هیجانی که بطور ضمنی در این قسمت وجود دارد را نادیده نگیریم. دو مرد با کلام خدا به یک شهر بت پرست رفتند. آنها با قوت روح‌القدس، انجیل را موعظه کردند. معجزهٔ تولد تازه به وقوع پیوست: مردان و زنان چنان با نجات دهنده اُنس گرفتند که بتهایِ خود را ترک نمودند. سپس شما جماعتی محلی از ایماندان را دارید که خدا را می‌پدستند، در تقدس زندگی کرده و شجاعانه متحمل جفا می‌شوند تا دیگران را برای مسیح صید کنند. خدمت خداوند، حقیقتاً عالی‌ترین دعوت می‌باشد!

۱۰:۱ . نه تنها تسالونیکیان به خدای حقیقی و زنده خدمت می‌کنند (در مقابل بتهایی که مرده و بی‌فایده هستند)، بلکه آنها در انتظار خداوند عیسی نیز می‌باشند. به جزئیات انتظار آنها توجه کنید:

۱. شخص ـ پسر او
۲. مکان ـ از آسمان
۳. ضمانت ـ او را از مردگان بر خیزانید
٤. نام با ارزش ـ یعنی عیسی
۵. انتظار ـ ما را از غضب آینده می‌رهاند

پس ما در آیات ۹ و ۱۰، سه منظر از تجربهٔ تسالونیکیان را شاهد هستیم:

۱. بازگشتن (مقایسه شود با عمل ایمان، آیه ۳)
۲. خدمت کردن (مقایسه شود با محنت محبت، آیه ۳)
۳. انتظار کشیدن (مقایسه شود با صبر امید، آیه ۳)

هاردینگ وود (G.R. Harding Wood) اینها را چنین تجزیه، تحلیل می‌نماید:

پیروی ـ نگاه کردن به خدا
خدمت ـ نگاه کردن به زمینه‌ها
انتظار ـ نگاه کردن به عیسی

تسالونیکیان منتظر پسر خدا از آسمان بودند. این بطور ضمنی بیانگر امکان بازگشت او در حین زندگی آنها را می‌رساند، در حقیقت، هر لحظه در زندگی ایشان ممکن بود که او بیاید. بازگشت قریب‌الوقوع خداوند عیسی امید مسیحیان است. این امر در همهٔ متون عهدجدید یافت می‌شود که اینها نمونه‌هایِ کمی از آنها هستند:

۱. لوقا۱۲:۳٦ ـ «و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند.»
۲. رومیان۸:۲۳ ـ «... در انتظار پسر خواندگی یعنی خلاص جسم خود.»
۳. اول‌قرنتیان۱۱:۲٦ ـ «زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می‌نمایید تا هنگامی که باز آید.»
٤. دوم‌قرنتیان۵:۲ ـ «زیرا در این هم آه می‌کشیم، چونکه مشتاق هستیم که خانهٔ خود را که از آسمان است بپوشیم.»
۵. غلاطیان۵:۵ ـ «زیرا که ما بواسطهٔ روح از ایمان متقرب امید عدالت هستیم.»

٦. فیلپیان۳:۲۰ ـ «اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نیز نجات دهنده یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می‌کشیم.»
٧. فیلپیان٤:٥ ـ «خداوند نزدیک است.»
٨. تیطس۲:۱۳ ـ «و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهندهٔ خود عیسی مسیح را انتظار می‌کشیم.»
٩. عبرانیان۹:۲۸ ـ «مسیح بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می‌باشند، ظاهر خواهد شد بجهت نجات.»
١٠. یعقوب۵:۷ـ۹ ـ «پس ای برادران تا هنگام آمدن خداوند صبر کنید ... زیرا که آمدن خداوند نزدیک است ... اینک داور بر در ایستاده است.»
١١. اول‌پطرس٤:۷ ـ «لکن انتهای همه چیز نزدیک است.»
١٢. اول‌یوحنا۳:۳ ـ «و هر کس که این امید را بر وی دارد، خود را پاک می‌سازد چنانکه او پاک است.»
١٣. یهودا ٢١ ـ «منتظر رحمت خداوند ما عیسی مسیح برای حیات جاودانی بوده باشید.»
١٤. مکاشفه۳:۱۱ ـ «بزودی می‌آیم، پس آنچه داری حفظ کن مبادا کسی تاج تو را بگیرد.»
١٥. مکاشفه۲۲:۷ ـ «و اینک بزودی می‌آیم!»
١٦. مکاشفه۲۲:۱۲ ـ «و اینک بزودی می‌آیم!»
١٧. مکاشفه۲۲:۲۰ ـ «بلی، به زودی می‌آیم! ... آمین. بیا، ای خداوند عیسی!»

یک مسیحی می‌داند که هر لحظه ممکن است بمیرد ولی همچنین می‌داند که در هر لحظه نیز ممکن است خداوند باز گردد و او نمرده باشد.

هیچ نبوتی از نبوتهای کتاب‌مقدس نیاز نیست تا قبل از آمدنِ مسیح برای قوم خود به تحقق انجامد. این برنامه خدا در آینده است.

ما نمی‌توانیم منتظر بازگشت خداوند در هر لحظه‌ای باشیم اگر فرمان مشخصی برای آن وجود داشته باشد. ربوده شدن قبل از مصیبت عظیم خواهد بود و این تنها جایگاهی است که یک ایماندار بواسطه آن می‌تواند برای آمدن مسیح انتظار بکشد. بقیه نظریات بازگشت ثانوی مسیح، قریب‌الوقوع بودنِ آن را تأیید می‌کنند.

شخصی که ما انتظارش را می‌کشیم، عیسی است که ما را از غضب آینده می‌رهاند. وصف آمدن نجات دهنده از دو طریق درک می‌شود:

١. او ما را از مجازات ابدی گناهانمان می‌رهاند. او بر روی صلیب، متحمل غضب خدا که بر ضد گناهان ما بود شد. از طریق ایمان به او، ما به ارزش کار او که به حساب ما گذاشته شده است پی می‌بریم. از این پس دیگر محکومیتی برای ما وجود ندارد چون ما در مسیح عیسی هستیم (روم ۸:۱).

۲. ولی او همچنین ما را از زمان داوری آینده که غضب خدا بر جهان بخاطر رد کردن پسرش ریخته می‌شود می‌رهاند. این دوره به عنوان مصیبت عظیم و زمان مصیبت یعقوب خوانده شده است (دان۹:۲۷، متی۲٤:٤ـ۲۸، اول تسالونیکیان ۵:۱ـ۱۱، دوم تسالونیکیان ۲:۱ـ۱۲، مکا٦:۱ـ۱۹:۱۰).

ب: بازنگری پولس به خدمت، پیغام و رفتارش در تسالونیکی (۲:۱ـ۱۲)

۲:۱ . در قسمت پایانی ۱:۵، پولس بطور خلاصه شخصیت و رفتار خود را اظهار داشت حالا، او وارد جزئیات خدمت، پیغام و زندگیش می‌شود.

نکته در اینجاست که خدمت عمدهٔ یک مسیحی، خدمت به اشخاص است. آنچه که ما هستیم بسیار مهمتر است از هر آنچه که می‌گوییم.تأثیر ناآگاهانهٔ ما بیشتر از تأثیر آگاهانهٔمان شنیده میأشود. جیمز دنی گفته است:

«شخصیت یک مسیحی اهمیتی حیاتی در کارش دارد. در دیگر دعوتها، یک انسان **می‌تواند** پیش برود، و مهم نیست که شخصیت او چیست؛ ولی یک مسیحی اگر شخصیت خود را از دست بدهد همه چیز را از دست داده است.

مبشر شهید، جیم الیوت در دفتر خاطرات خود نوشته است:

«در کار روحانی، شخصیت یک شخص باید با کیفیت کارش بخواند. شیلی و بایرون از لحاظ اخلاقی در سطح بالایی قار دارند و هنوز اشعار خوبی می‌سرایند. و اگر شهوانی است و هنوز موسیقی خوبی می‌نوازند ولی نمی‌تواند کاری برای خدا انجام دهد. پولس می‌تواند به شخصیت خود اشاره کند و مفهوم آنچه که داشت در مورد زندگی به تسالونیکیان اشاره دارد. پولس به تسالونیکی رفت و زندگی را ظاهر نمود که مثالی حتی پیش از آنچه که موعظه نموده بود را عیان ساخت؛ او از مثال گذشت و به اثبات رسید. مهم نیست که کار در ملکوت چقدر پست باشد؛ به شخصیت اخلاقی کارگر نگاه کنید.

شاید در این آیات پولس رسول دارد از خودش بر ضد یهودیت‌های دروغین نقادان دفاع می‌کند. به هر حال، او اول به تسالونیکیان خاطر نشان می‌سازد که خدمت او موفق بوده است. آنها خودشان شهادت می‌دهند که کار او ثمره بخش بوده است.آنها می‌دانستند که ورود او در میان ایشان باطل نبوده است. آنها خودشان تغییر گرایش داده و تولد تازه یافته بودند.

۲:۲ . سپس او اظهار می‌دارد که خدمتش دلیرانه نیز بوده است. مخالفت تلخ و رفتار ظالمانه بر ضد او در فیلپی، که شامل زندانی شدنش به همراه سیلاس می‌شد، او را نترسانده بود. او به تسالونیکی رفت و در آنجا بوسیلهٔ شجاعتی که فقط خدا می‌تواند عطا کند، انجیل را با جد و جهد شدید موعظه نمود. یک شخص تنومند می‌تواند دلایل الهیاتی زیادی برای اینکه خدا او را برای خدمت بیشتر به شنوندگان دعوت کند داشته باشد ولی پولس نه! او پیغام را بی‌ترس و بدون توجه به مخالفتهای شدید موعظه می‌نمود و این نتیجهٔ مستقیم پُری روح‌القدس بود.

۳:۲ . نصیحت پولس رسول برای ایمان آوردن به انجیل در منشأ نصایح او از تعالیم غلط سرچشمه نمی‌گرفت بلکه از حقایق خدا. انگیزه‌های او، بدون داشتن انتظار به تسالونیکیان نگاه می‌کرد و در پی نیکویی ایشان بود و نه

آرزویی پنهان و ناخالص. روش او ترسیم هوشیارانه برای فریب دادن انسانها نبود؛ ظاهراً، دشمنان او به وی تهمت ناراستی، شهوترانی و نیرنگ می‌زدند.

٤:٢ . برای پولس خدمت یک نظارت مقدس بود. او یک ناظر بود که بوسیلهٔ خدا بر کا گماشته شده بود و انجیل گنجینه‌ای گرانبها بود که بوسیلهٔ خدا به او داده شده بود. مسئولیت او خشنود ساختن خدا بوسیله اعلان وفادارانه پیغام بود و اصلاً برای او مهم نبود که عکس‌العمل انسانها چه خواهد بود. برای او واضح بود که وی نمی‌تواند هم خدا و هم انسان را راضی بسازد، پس او برگزیده بود تا خدا را خشنود سازد که دلها را می‌آزماید و سپس بر طبق آن پاداش می‌دهد.

یک ناظر متعهد است آن کسی را که به او اجرت می‌دهد خشنود سازد. واعظین شاید گاهی اوقات وسوسه شوند تا همهٔ حقیقت را بازگو نکنند و این بخاطر ترس ایشان از کسانی باشد که آنها را حمایت می‌کنند. ولی خدا، آقا و سرور می‌باشد و او می‌داند که چه موقع پیغام آبکی یا تحریف شده است.

٥:٢ . در آیات ٥ـ١٢ پولس رفتارش در تسالونیکیه را شرح می‌دهد؛ او با رفتارش برای همهٔ خادمین مسیح الگویی با ارزش بر جای گذاشت.

اولاً، او هرگز بخاطر گرفتن نتیجه، سر تعظیم فرود نیاورد. کلام او راست و شفاف بود و انگیزه‌های او عاری از ریاکاری بودند.

دوماً، او هرگز از کار خداوند به عنوان یک خرقه برای پوشیدن یا مخفی کردن آرزوهایش بجهت ثروتمند شدن استفاده ننمود. خدمت او برای طمع نبود.

او برای رد هرگونه تهمتی، به مقدسین توضیح می‌داد ولی برای رد هرگونه نظرِ طمعکاری، به خدا توضیح می‌داد که تنها کسی است که عارف قلوب می‌باشد.

٦:٢ . در اینجا ما به بینش عمیق‌تری نسبت به این مرد بزرگ خدا دست می‌یابیم. به عنوان رسول مسیح، او و دیگر همکارانش حق داشتند تا از لحاظ مالی (در اینجا بزرگی آمده است) از جانب تسالونیکیان حمایت شوند، ولی ایشان تصمیم گرفتند باری بر ایشان ننهند پس روز و شب برای رفع احتیاجات خود کاری می‌کردند. در قرنتس، داستان طور دیگری بود. در آنجا پولس چنان کار می‌کرد که منتقدین هیچ بهانه‌ای برای تهمت زدن به او راجع به موعظه کردن برای پول نداشتند. در تسالونیکی، او کار می‌کرد چون مقدسین فقیر و تحت جفا بودند، و او نمی‌خواست باری بر دوش آنها اضافه کند.

٧:٢ . بجای سروری کردن بر میراث خدا، او در میان آنها به ملایمت بسر برده و مثل دایه‌ای که اطفال خود را می‌پرورد بود. پولس فهمیده بود که این نوایمانان نیاز به پرستاری دارند و خدمت خود را با نگرانی مثل یک دایه بجهت ایشان به انجام رسانیده بود.

٨:٢ . نگرانی و توجه او نسبت بدیشان بسیار عمیق بود، او مشتاق بود که با ایشان شریک شود تا اینکه از آنها بگیرد. او نه تنها مایل بود انجیل خدا را بدیشان دهد بلکه راضی بود جانش را نیز بخاطر ایشان فدا کند. او،

تسالونیکیان را دوست داشت، و محبت، بها دارد. او مثل آقایش نیامده بود تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و جانش را در راه بسیاری فدا سازد (مر۱۰:٤٥).

۹:۲ . شهادت دیگری از فروتنی پولس در اینجا مشاهده می‌شود: ما او را در کار خیمه‌دوزی مشاهده می‌کنیم چون او با این کار می‌توانست مخارج زندگی خود را تأمین کند تا بتواند مردم را بدون نهادن باری بر دوششان خدمت کند. اگر چه این درست است که واعظ انجیل حقِ استفاده از حمایت مالی دیگر مسیحیان را دارد، ولی این امر ستودنی است که او از حق گذشته و اگر ضرورتی داشته است باز هم باری بر دوشِ کسی نگذاشته است. یک خادم حقیقی مسیح موعظه انجیل را ادامه می‌دهد اگر چه برای کاری که انجام می‌دهد پولی دریافت نکند. عبارت محنت و مشقّت و شب و روز توجه کنید. انجیل حتّی برای تسالونیکیان، سکّه‌ای خرج نداشت ولی برای پولس بسیار گران تمام شد.

۱۰:۲ . ایمانداران می‌توانستند شهادت بدهند که الگوی رفتارِ پولس در قبال ایشان چگونه بوده است. مقدس یعنی جدا شده برای خدا از گناه. در رفتار و شخصیت خود عادل بود. او در برابر خدا و انسانها بی‌عیب بود. بهترین موعظه، یک زندگی مقدس است و پولس واعظ بزرگی بود. او مثل دیگر واعظان نبود که فنِ سخنوریِ آنها از رفتارشان بهتر است؛ وقتی که او بر بالای منبر می‌رفت، مردم آرزو می‌کردند که هرگز از آن پایین نیاید ولی وقتی که از منبر پایین می‌آمد، آنها آرزو داشتند که دیگر او به بالای منبر نرود!

۱۱:۲ . در آیهٔ ۷، او خودش را با یک دایهمقایسه نمود؛ حالا او خودش را به شباهت یک پدر دلسوز می‌بیند. تشبیه قبلی محبت و دلسوزی او را نشان داد و آخری حکمت و نصیحت. او مثل یک پدر، ایشان را برای داشتن یک زندگی مقدس نصیحت کرده بود و ایشان را تشویق و ترغیب کرده بود که به رغم جفاها، به خداوند توکل کنند و شهادت می‌داد که برکت اطاعت از ارادهٔ خدا و کلامش چیست.

۱۲:۲ . هدفِ خدمتِ پولس این بود که مقدسین بطور شایسته خدایی که ایشان را به ملکوت و جلال خود دعوت کرده است رفتار کنند.

ما برای خودِ خدا یا جایگاهمان در آسمان نالایق هستیم؛ تنها لیاقتی که ما داریم در خداوند عیسی مسیح یافت می‌شود. ولی به عنوان فرزندان خدا، از ما انتظار می‌رود که به شایستگی دعوت خود رفتار کنیم. ما می‌توانیم این را بوسیلهٔ تسلیم کردن خود به هدایت روح‌القدس بوسیله اعتراف کردن و ترک کردن گناهان در زندگیمان به طور مداوم انجام دهیم.

همهٔ کسانی که نجات می‌یابند، شهروندان ملکوت خدا هستند. در زمان حاضر ملکوت نادیدنی است و پادشاه غایب می‌باشد. ولی اخلاقیات و تعالیم اخلاقی ملکوت امروزه وجود دارند. وقتی که خداوند عیسی برای سلطنت باز گردد، ملکوت از آن پس در شکل مرئی خود ظاهر شده و ما در جلال پادشاه در آن روز سهیم خواهیم شد.

پ: بازنگری عکس‌العمل تسالونیکیان در قبال انجیل (۱۳:۲ـ۱٦)

۱۳:۲ . حالا پولس رسول محتوای دیگری را که در ۵:۱ آورده بود بر می‌گزیند و آن عکس‌العمل تسالونیکیان به موعظهٔ انجیل است. وقتی که ایشان پیغام را دریافت نمودند، آن را کلام انسانی نیافتند بلکه به عنوان کلام خدا پذیرفتند. ترجمهٔ گینگ جیمز (King James Version) این را واضحاً بیان می‌کند:

«و از این جهت ما نیز دائماً خدا را شکر می‌کنیم که چون کلام خدا را که از ما شنیده بودید، یافتید، آن را کلام انسانی نپذیرفتید، بلکه چنانچه فی‌الحقیقته است، کلام خدا که در شما که ایماندار هستنید عمل می‌کند.»

پولس عمیقاً بجهت پذیرش پیغام توسط ایشان شکرگزار است. این نمونهٔ دیگری از فروتنی اوست. اکثریت ما می‌خواهیم دیگران باور کنند که آنچه ما می‌گوییم به سادگی همانست که می‌گوییم، ولی کلام انسانی ایمانی متزلزل پدید می‌آورد. فقط به خدا می‌توان کاملاً اعتماد کرد و فقط زمانی به کلام او اعتماد شده است که نتیجهٔ آن اعتماد در قلبها و زندگی‌ها دیده شود. این همان چیزی است که برای تسالونیکیان اتفاق افتاد ـ کلام خدا فی‌الحقیقه در زندگی آنها عمل می‌نمود چون آنها باور داشته که این کلام خداست. والتر اسکات () نوشته است: کلام او ـ کتابمقدس ـ الهامی است، یا دَمِ خداست و همهٔ کتابهایی که در خود دارد و قسمتهایی که بطور اصیل نوشته شده‌اند، همهٔ آنها کلام خدا هستند. این تنها اقتدار ما در همه چیز می‌باشد و در همهٔ شرایط و در همهٔ زمانها. نسلی لازم است که از کلام خدا به لرزه در آیند. این نمودار زندگی؛ هدایت ما، نور ما، امنیت اخلاقی ما. خدا را شکر برای ندای مقدسش.

۱٤:۲ . کتاب‌مقدس چه نتایجی در زندگیهای این ایمانداران داشته است؟ آنها نه فقط نجات یافتند؛ قادر شدند تا در برابر جفاها طاقت فرسا، مقوت کنند. این شهادت خوبی برای تغییر گرایش ایشان بود. آنها بوسیلهٔ صبر و تحمل خود، به کلیساهایی که در یهودیه می‌باشند اقتدا نمودند. تنها تفاوت این دو کلیسا در این امر بود که تسالونیکیان از دستان دولتهای غیر یهودی خود زحمت می‌دیدند در حالیکه ایمانداران در یهودیه بوسیلهٔ یهودیان مورد جفا قرار می‌گرفتند.

۱۵:۱۲ . پولس در این تصویری که از یهودیان نشان می‌دهد آنها را لایق محکومیت بخاطر مخالفت با انجیل می‌داند. و چه کسی بهتر از او می‌داند؟ قبلاً او رهبر یهودیانی بود که سعی داشتند مانع ایمان مسیحی شوند. پس از تغییر گرایش خود نیز داشت لبهٔ تیز شمشیر جفای ایشان را احساس می‌کرد.

بزرگترین گناه یهودیان، کُشتن خداوند عیسی بود. اگر چه عمل مصلوب کردن بوسیلهٔ رومیان انجام شد، ولی این یهودیان بودند که رومیان را تحریک به انجام این کار کردند. این به یک روند معمولی در طی قرنها برای آنها تبدیل شده بود که به انبیای خدا جفا برسانند (متی ۲۱:۳۳ـ۳۹).

در تاریخ مسیحیت، آنها به پولس و دیگر رسولان جفا رسانیده و به اشتباه فکر می‌کردند که با این کار خدا را خشنود می‌سازند. اعمال ایشان در نظر او ناپسند بود و آنها خویشتن را با جمیع مردم مخالف نموده بودند.

۱٦:۲ . ایشان نه تنها انجیل را رد کردند بلکه مصمم بودند تا پولس و همکارانش را از موعظهٔ پیغام انجیل به امّت‌ها باز دارند. هیچ چیز نمی‌توانست بیش از این، آنها را خشمگین سازد که بشنوند امّت‌ها می‌توانند از همان طریقی که یهودیان می‌توانند، نجات بیابند. آنها در ضدّیت خود با ارادهٔ خدا، راه پدران خود را ادامه می‌دادند:

همیشه گناهان خود را لبریز می‌کنند. همچنین است که گوئی آنها مصمم بودند کاسهٔ گناهان خود را همیشه پُر نگه دارند.

ولی حکم مجازات ایشان اعلان شده بود، منتهای غضب، ایشان را فرو گرفته بود. پولس معلوم نمی‌کند که منظورش از غضب چیست. شاید این یک جملهٔ عمومی برای اعلان مجازات به عنوان نتیجهٔ کمال گناه بوده است. ما می‌دانیم که بعد از ۲۰ سال (۷۰میلادی)، اورشلیم خراب شده و یهودیانی که نجات یافتند در جهان پخش شدند.

در متن این چنین، بعضی این نظریه را مطرح می‌کنند که پولس یک ضدّ یهودی بوده و عهدجدید یک کتاب ضدّ یهودیست. حقیقت این است که پولس، محبت عمیقی برای هموطنان خود داشت که یهودی بودند و حتی راضی می‌بود که خود از مسیح محروم شود در او برادرانش که در این یهنی نجات ایشان (روم۹:۱ـ۳). اگر چه خدمت او اصولاً به امتّها بود، هرگز بار خود برای بشارت به یهودیان را فراموش نمی‌کرد؛ بعضی وقتها این بار به نظر می‌آمد که حتی در مأموریت اصلیش نیز ادامه می‌یافت.

آنچه که پولس رسول راجع به رهبران یهود در اینجا می‌گوید یک حقیقت تاریخی است و نه نظریات شخصی. ما باید به یاد داشته باشیم که خدا او را وا داشت تا اینها را بنویسد. ضدّ یهودی بودن یک فرهنگ غیر مسیحی است نمی‌تواند در هیچ شرایطی عادلانه باشد. ولی گفته اینکه یک قوم یهود بوسیلهٔ خدا بخاطر مرگ پسرش محکوم و مجازات شده‌اند، ضدّ یهودی‌گری نمی‌باشد (اعمال۲:۲۳)، درست چنانچه امتّها نیز به سهم خود مسئول بودند (اول قرنتیان۲:۸).

ت: توضیح پولس برای عدم بازگشت به تسالونیکیه (۲:۱۷ـ۲۰)

۲:۱۷ . در چهار آیهٔ بعدی، پولس رسول دلیل عدم بازگشت خود به تسالونیکیه را توضیح می‌دهد. شاید منتقدین به او تهمت ترسوئی زده بودند. پولس اولاً واضح می‌سازد که جدائی او فقط در ظاهر است. عبارت از شما مهجور شدیم یعنی که آنها از پدر روحانی خود برای مدتی جدا شدند. بهر حال، علاقه و اشتیاق وی به ایشان هرگز کم نشد. به کلماتی که بر محبت او تأکید می‌کنند توجه کنید: «به اشتیاق بسیار زیادتر کوشیدم تا روی شما را ببینم».

۲:۱۸ . او دوبار سعی کرده بود به تسالونیکی باز گردد ولی شیطان مانع او شده بود. طبیعت دقیق مخالفت شیطان همیشه شناخته شده نیست.

ما می‌دانیم که پولس مطمئن بود چگونه شیطان مانع بازگشت او شده بود و نه خداوند. در اعمال ۱۶:۶ می‌خوانیم که پولس و همراهانش بوسیلهٔ روح‌القدس از موعظهٔ کلام در آسیا منع شدند. در آیهٔ بعدی، ایشان سعی کردند تا به بیت‌عنیا بروند ولی روح بدیشان اجازت نداد تا بروند. ما چگونه می‌توانیم تشخیص دهیم که چه وقت روح‌القدس و چه وقت شیطان مانع ما می‌شود؟ شاید یک راه این باشد: هنگامی که ما می‌دانیم در ارادهٔ خدا گام بر می‌داریم، هر مانعی که بر سر راهمان قرار گیرد از کار روح نیست بلکه از شیطان است. همچنین، می‌توان انتظار داشت که شیطان هر کجا که برکات خدا وجود داشته باشند مانع بشود. ولی خدا همیشه بر مخالفتهای شیطان تسلط دارد. در

این مورد بخصوص، عدم قابلیت پولس برای رفتن به تسالونیکیه در نتیجهٔ خود نوشته شدن این نامه را داشت. این نامه در نتیجهٔ خود باعث جلال خدا و برکت یافتن ما شد.

۱۹:۲ . چرا پولس رسول تا این حد مشتاق دیدار مجدد ایمانداران تسالونیکیه بود؟ چونکه آنها فرزندان او در خداوند بودند. او ایشان را نزد مسیح آورده و نسبت به رشد روحانی ایشان احساس مسئولیت می‌کرد. او می‌دانست که در روز بازپسین باید نسبت به آنها حساب پس بدهد. آنها امید پاداش او در مقابل تخت داوری مسیح بودند. او می‌خواست که قادر باشد با ایشان شادی نماید. آنها امید و سرور و تاج فخر او در حضور خداوند عیسی مسیح در هنگام ظهورش بودند. از این آیه بدیهی بنظر می‌رسد که پولس انتظار دارد در آسمان، تسالونیکیان را بشناسد. به نظر می‌آید که مانند عزیزان خود را در آسمان خواهیم شناخت.

در آیهٔ ۱۹ پولس از فرزندان ایمانی خود به عنوان تاج خود سخن می‌گوید. قسمتهای دیگری در عهدجدید وجود دارند که در آنها ما دربارهٔ دیگر تاجها می‌خوانیم: تاج عدالت (۲تیمو۴:۸)؛ تاج حیات (یعقو۱:۱۲؛ مکا۲:۱۰)؛ تاج جلال (اول پطرس۵:۴) ـ همهٔ این تاجها غیر فانی هستند (اول قرنتیان۹:۲۵).

۲۰:۲ . مقدسین جلال و خوشی او بودند. او در شخصیت انسانی خود دارای اختیار بود و پاداش وی پسران و دختران روحانی بودند که برهٔ خدا را تا ابد می‌پرستیدند.

نکاتی در باب آمدن خداوند

در آیهٔ ۱۹، ما شاهد اولین استفاده از کلمهٔ آمدن در اول تسالونیکیان راجع به بازگشت خداوند هستیم. چ.ن این امر محتوای اصلی این رساله می‌باشد، می‌خواهیم در این قسمت توقف کرده و توضیحی راجع به آنچه که ما معتقدیم تعالیم کتاب‌مقدس بر این موضوع دارند.

سه کلمهٔ یونانی در عهدجدید برای اشاره بازگشت مسیح وجود دارد:

(Parousia): آمدن و حضور بعدی

(Apokalupsis): مکاشفه، ظهور

(Epiphaneia): تجسم

این کلمه معمولاً به شکل (Parousia) بکار میرود. این یعنی ظهور یا آمدن. و این (Vine) می‌گوید ورود و ظهور او به جهان توأماً خواهند بود. وقتیکه ما به آمدن مسیح فکر می‌کنیم باید به یک مقطع زمانی تا به یک واقعهٔ منفرد. حالا اگر ما همهٔ ترکیبات (Parousia) در عهدجدید را بررسی کنیم در خواهیم یافت که آنها یک مقطع زمانی را با یک آغاز، دوره، تجسم و نقطهٔ اوج توصیف می‌کنند.

۱. آغاز (Parousia)، ربوده شدن است. این کلمه در متون بعدی توضیح داده شده است (کلمه‌ای که (Parousia) ترجمه شده است در همهٔ موارد به طور اتیالیک چاپ شده است): و چنانکه در آدم همه می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت. لیکن هر کس به رتبهٔ خود؛ مسیح نوبر است و بعد آنانی که در وقت آمدن او از آن مسیح می‌باشند (اول قرنتیان۱۵:۲۲ـ۲۳). اما ای برادان نمی‌خواهیم شما از حالت خوابیدگان بی‌خبر باشید که

مبادا مثل دیگران که امید ندارند، محزون شوید. زیرا اگر باور می‌کنیم که عیسی مرد و برخاست، به همینطور نیز خدا آنانی را که در عیسی خوابیده‌اند با وی خواهد آورد. زیرا این را به شما از کلام خدا می‌گوییم که ما زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم، بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست. زیرا خود خداوند با صدا او با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده باقی باشیم، با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود. پس بدین سخنان همدیگر را تسلی دهید (اول تسالونیکیان ۱۳:٤ـ۱۸). اما ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم دربارهٔ آمدن خداوند ما عیسی مسیح و جمع شدن ما به نزد او ... (دوم تسالونیکیان ۱:۲). پس ای برادران، تا هنگام آمدن خداوند صبر کنید. اینک دهقان انتظار می‌کشد و برای محصول گرانبهای زمین و برایش صبر می‌کند تا باران اولین و آخرین را بیابد. شما نیز صبر نمایید و دلهای خود را قوی سازید زیرا که آمدن خداوند نزدیک است (یعقوب۵:۷،۸). الان ای فرزندان، در او ثابت بمانید تا چون ظاهر شود، اعتماد داشته باشید و در هنگام ظهورش از وی خجل نشویم (۱یو۲:۲۸).

۲. دورهٔ (Parousia) شامل تخت داوری مسیح در حین پاداش دادن به ایمانداران برای خدمت وفادارانه‌شان می‌باشد:

زیرا که چیست امید و سرور و تاج فخر ما؟ مگر شما نیستید در حضور خداوند ما عیسی در هنگام ظهور او (اول تسالونیکیان ۱۹:۲). اما خود خدای سلامتی، شما را بالکل مقدس گرداند و روح و نفس و بدن شما تماماً بی‌عیب محفوظ باشد در وقت آمدن خداوند ما عیسی مسیح (اول تسالونیکیان ۲۳:۵).

واقعهٔ دیگری که باید احتمالاً شامل دورهٔ (Parousia) بشود، جشن نکاح بره باشد. از محل ثبت پیشگویی مربوط به آن در کتاب مکاشفه می‌دانیم که پیش از سلطنت پر جلال مسیح بوقوع خواهد پیوست. ما این امر را در اینجا شامل دورهٔ (Parousia) محسوب می‌کنیم اگر چه کلمهٔ آمدن در ارتباط با آن مورد استفاده قرار نگرفته است.

و شنیدم چون آواز جمعی کثیر و چون آواز آبهای فراوران و چون آواز رعدهای شدید که می‌گفتند: هللویا، زیرا خداوند خدای ما قادر مطلق، سلطنت گرفته است! شادی و وجد نماییم و او را تمجید کنیم زیرا نکاح بره رسیده است و عروس او خود را حاضر ساخته است. و به او داده شد که به کتان پاک و روشن خود را بپوشاند. زیرا که آن کتان عدالت‌های مقدسین است. و مرا گفت: «بنویس؛ خوشابحال آنانیکه به بزم نکاح بره دعوت شده‌اند. و نیز مرا گفت که این است کلام راست خدا (مکا۱۹:٦ـ۹).

۳. تجسم آمدن مسیح، بازگشت او به زمین در قوت و جلال عظیم برای سلطنت به عنوان شاه شاهان و رب‌الارباب است. ربوده شدن بوسیله دنیا دیده نمی‌شود؛ این امر در حین بازگشت ثانوی او بوقوع می‌پیوندد. ولی هر چشمی مسیح را در حینی که برای سلطنت باز می‌گردد خواهد دید. بنابراین تجسم بازگشت او نامیده شده است. این سومین مرحلهٔ بازگشت اوست.

چون به کوه زیتون نشسته بود، شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: «به ما بگو که این امور کی واقع می‌شود و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟ (متی۲٤:۳). زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده، تا به مضرب

ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود؟ (متی۲۴:۲۷). لیکن چنانکه ایان نوح بود، ظهور پسر نیز چنان خواهد بود (متی۲۴:۳۹). تا دلهای شما را استوار سازد، بی‌عیب در قدوسیت، به حضور خدا و پدر ما در هنگام ظهور خداوند ما عیسی مسیح، با جمیع مقدسین خود (اول تسالونیکیان ۳:۱۳). آنگاه آن بی‌دین ظاهر خواهد شد که عیسی خداوند او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و تجلی ظهور خویش، او را نابود خواهد ساخت (دوم تسالونیکیان ۲:۸). زیرا که در پی افسانه‌های جعلی نرفتیم، چون از قوت و آمدن خداوند ما عیسی مسیح شما را اعلام دادیم، بلکه کبریایی او را دیده بودیم (دوم پطرس۱:۱۶). (در اینجا پطرس از تجسم آمدن مسیح به عنوان تصویری نبوتی که در کوه تبدیل هیات دیده بود سخن می‌گوید.)

بالاخره، ما به اوج دورهٔ (Parousia) می‌رسیم. در این آیه به آن اشاره شده است:کجاست وعدهٔ آمدن او؟ زیرا از زمانی که پدارن به خواب رفته‌اند، هر چیز به همینطوری که از ابتدای آفرینش بود، باقی است (دوم پطرس۳:۴).

در این قسمت باب ما راجع به استهزا کنندگان می‌خوانیم که در روزهای آخر برخاسته و امکان بازگشت مسیح را انکار می‌کنند. منظر دورهٔ (Parousia) برای آنها چه مفهومی می‌دارد؟

آیا آنها به ربوده شدن اشاره می‌کنند؟ آنها احتمالاً چیزی راجع به آن نمی‌دانند. آیا به آمدن مسیح برای سلطنت اشاره می‌کنند؟ نه. معلوم است که نه. کل متن نشان می‌دهد که آنها مجازات نهایی شریران را به وسیله خداوند مورد استهزا قرار می‌دهند. منظور آنها داوری نهایی خدا بر زمین یا آنچه که آنها پایان جهان می‌نامند می‌باشد. بجهت آنان بر سر این مساله است که هیچ چیزی برای نگرانی وجود ندارد. خدا در تاریخ مداخله‌ای نکرده است و در آینده نیز نخواهد نمود. بنابراین آنها احساس می‌کردند که آزادانه می‌توانند در اعمال و گفتار شریرانهٔ خود ادامه دهند.

پطرس جواب استهزا آنها را به وسیلهٔ اشاره کردن به زمان آینده، پس از سلطنت هزار سالهٔ مسیح می‌دهد یعنی زمانیکه آسمانها و زمین چنانچه الان می‌دانیم کاملاً خراب خواهند شد. این اوج دورهٔ آمدن مسیح می‌باشد و پس از سلطنت هزار ساله در حین افتتاح آسمان و زمین جدید بوقوع خواهد پیوست.

بعلاوهٔ (Parousia) دو کلمهٔ دیگری که در عهدجدید یونانی برای توصیف آمدن خداوند مورد استفاده قرار گرفته‌اند، (Apokalupsis) و (Epiphaneia) هستند.

() یعنی مکاشفه یا کشف شدن. شاگردان کتاب‌مقدس در اینکه آیا این کلمه همیشه به سومین دورهٔ آمدن مسیح اشاره دارد آمدن او به زمین با قوت و جلال ـ یا ربوده شدن در حینی که مسیح، خود را به کلیسا ظاهر می‌کند با هم اختلاف نظر دارند.

در آیاتی که مشاهده می‌کنیم، این کلمه می‌تواند هم به ربوده شدن و هم به بازگشت مسیح برای سلطنت اشاره داشته باشد:

بحدّی که در هیچ بخششی ناقص نیستید و منتظر مکاشفه خداوند ما عیسی مسیح می‌باشید (اول قرنتیان ۱:۷). تا آزمایش ایمان شما که از طلای فانی با آزموده شدن در آتش، گرانبهاتر است، برای تسبیح و جلال و اکرام یافت شود در حین ظهور عیسی مسیح (اول پطرس۱:۷). لهذا کمر دلهای خود را ببندید و هشیار شده، امید کامل آن

فیضی را که در مکاشفه عیسی مسیح به شما عطا خواهد شد، بدارید (اول پطرس۱:۱۳). بلکه بقدری که شریک زحمات مسیح هستید، خشنود شوید تا در هنگام ظهور جلال وی شادی و وجد نمایید (اول پطرس٤:۱۳).

در متنون دیگر این کلمه به نظر می‌آید واضحاً به آمدن مسیح برای سلطنت اشاره می‌کند: و شما را که عذاب می‌کشید، با ما راحت بخشد در هنگامیکه عیسی خداوند از آسمان با فرشتگان قوت خود ظهور خواهد نمود (دوم تسالونیکیان ۱:۷).

(Epiphaneia) یعنی تجسم یا ظاهر شدن. مجدداً، بعضی گمان می‌کنند که این کلمه به ظهور مسیح برای مقدسین و همچنین به ظهور او همراه مقدسینَش اشاره دارد؛ دیگران می‌گویند که این کلمه فقط به مفهوم آخری اشاره دارد. این کلمه در این متون یافت می‌شود:

آنگاه آن بی‌دین ظاهر شد که عیسی خداوند او را به نفس دهانش هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور خویش، او را نابود خواهد ساخت (دوم تسالونیکیان ۲:۸). که تو وصیت را بی‌داغ و ملامت حفظ کن تا به ظهور خداوند ما عیسی مسیح (۱تیمو٦:١٤). تو را در حضور خدا و مسیح عیسی که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد قسم می‌دهم و به ظهور و ملکوت او (۲تیمو٤:۱).

بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است که خداوند داور عادل در آن روز به من خواهد داد؛ و نه به من فقط بلکه به همهٔ کسانی که ظهور او را دوست دارند (۲تیمو٤:۸). و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات دهندهٔ خود ما عیسی مسیح را انتظار می‌کشیم (تیطس۲:۱۳).

آیات اول و سوم واضحاً ظهور مسیح به جهان را توصیف می‌کنند. بقیه احتمالاً به ربوده ششدن نیز اشاره دارند. یک چیز که روشن است این می‌باشد که ربوده شدن و آمدن مسیح برای سلطنت برای ایمانداران به عنوان واقعه‌ای که مشتاقانه انتظارش را می‌کشند مطرح است. در زمان ربوده شدن شخص ایماندار، نجات دهنده را خواهد دید و بدن جلال یافته‌اش را دریافت خواهند کرد. وقتی که مسیح به زمین باز گردد، ایماندار با او در جلال خواهد بود (کول۳:٤). در همین زمان پاداش او نیز به وی داده خواهد شد. این پاداش‌ها قبلاً به او در مسند داوری مسیح عطا شده‌اند ولی همهٔ آنها زمانی دیده خواهند شد که مسیح برای سلطنت باز گردد. پاداش‌ها چه چیزهایی هستند؟ در لوقا۱۹:۱۷ـ۱۹ اشارهٔ کوچکی به این مسئله شده است. آنها در سلطنت هزار ساله هر یک حکومت خواهند کرد. یک شخص برده شهر، حاکم خواهد شد و شخصی دیگر بر پنج شهر.

ولی ما با مطالعهٔ اشارات مختلف به آمدن خداوند، خواهیم دید که این امر به یک دورهٔ زمانی اشاره می‌کند و نه یک واقعهٔ مجرد و اینکه این دورهٔ زمانی دورانها یا مراتب مختلف دارد. یک شروع دوره، تجسم و نقطه اوج وجود دارد. این دوره با ربوده شدن ایمانداران آغاز می‌شود و شامل مسند داوری مسیح می‌شود که وقتی مسیح به زمین باز گردد قابل رویت خواهد بود و از آنجا که می‌دانیم زمانیکه آسمان و زمین به وسیلهٔ آتش نابود خواهند شد این دوره به پایان خواهد رسید.

ث: مأموریت تیموتائوس در تسالونیکیه (۳:۱ـ۱۰)

کلمهٔ ایمان شما پنج بار در باب سوم آمده است (آیات۲،۵،۶،۷،۱۰)و کلیدی برای درک این متن است. تسالونیکیان از جفاهای متفاوتی گذشته بودند و پولس مشتاق بود که ایمان آنها را در آزمایش ببیند. پس این باب درسی است برای ما بر اهمیت کار پیگیری مداوم. کافی نیست که ما گناهکاران را به سوی نجات دهنده هدایت کنیم. به آنها باید برای رشد در فیض و دانش خداوند کمک نمود.

۱:۳ . در باب سوم ا ضربان قلب پولس رل چنانچه اشتیاق زیادش را برای مقدسین تسالونیکی عنوان **می کند** می شنویم. اگر چه او در اتینا تنها واگذارده شده بود ولی می‌دانست که ایمانداران تسالونیکیه در ایمانشان ادامه می‌دهند. شیطان مانع بازگشت شخصی او به تسالونیکیه شده بود. بالاخره او نمس‌دانست بی‌کار بنشیند؛ او تصمیم گرفت تیموتائوس را نزد ایشان بفرستد اگر چه خودش در اتینا تنها می‌ماند. (این «ما" در واقع واژه ویراستاری است). غم انگیز است که فکر کنیم او در آنجا تنهاست. منظره‌های شهر بزرگ برای او هیچ جذابیتی نداشته؛ او برای محافظت کلیساها بار داشت.

۲:۳ . به درجاتی که پس از نام تیموتائوس آمده است توجه کنید: و تیموتائوس را که برادر ما و خادم خدا در انجیل مسیح است، فرستادیم تا شما را استوار سازد و در خصوص ایمانتان شما را نصیحت کند. کلمهٔ خادم در اینجا و در قسمتهای دیگری از عهدجدید به سادگی به معنای خدمتگزار است. نظریهٔ گذراندن کلاسهایی مخصوص کشیشان و این رتبه‌ها در سالهای بعد پدید ۀمدند. برای تیموتائوس چه برکت عظیمی بود که به شاگردان برادر عزیزش پولس خدمت کند! حالا که او خودش را ثابت نموده بود، برای مأموریت تنها به تسالونیکیه فرستاده شده بود.

هدف سفر پایدار ساختن و نصیحت ایمانداران و تشویق ایشان به استواری در ایمان بود. ایشان مورد جفا قرار گرفته بودند چون به مسیح اعتراف می‌کردند. این بحران همهٔ نوایمانان بود؛ شیطان احتمالاً نظریات ماهرانهٔ خود را به کار انداخته تا ایشان فکر کنند با مسیحی شدنشان اشتباهی مرتکب گردیده‌اند!

برای ایشان جالب بود که از تیموتائوش بشنوند و از او تعلیم بیابند و از چیزهایی که از او شنیده بودند شادی نمایند. آنها به تشویق نیاز داشتند چون دائماً در معرض جفا و ضدّیت قرار داشتند.

۳:۳ . در اوج جفاها، برای تسالونیکیان آسان بود که فکر کنند عجیب است که آنها می‌بایست دائماً رنج برده و خدا از آنها راضی باشد. تیموتائوس بدیشان خاطر نشان می‌ساخت که این اصلاً عجیب نیست؛ این برای مسیحیان عادی است، بنابراین آنها نباید متزلزل شوند.

٤:۳ . پولس بدیشان یادآوری می‌کند که حتی وقتی که او در تسالونیکیه بود، به مسیحیان گفته بود که ایشان زحمت خواهند دید. نبوت او در زندگیهای آنها درست از آب در آمده بود. آنها به خوبی این را می‌دانستند!

آزمایشاتی که ما به عنوان شاگرد لزوماً در زندگی خود در پیش رو داریم:

۱ـ تا آزمایش ایمان شما که از طلا فانی با آزموده شدن در آتش، گرانبهاتر است، برای تسبیح و جلال و اکرام یافت شود در حین ظهور عیسی مسیح (اول پطرس۷:۱).

۲ـ که ما را در تنگی ما تسلی می‌دهد تا ما بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم (دوم قرنتیان ۱:٤).

۳ـ و نه این تنها بلکه در مصیبتها هم فخر می‌کنیم، چونکه می‌دانیم که مصیبت صبر را پیدا می‌کند (رومیان۵:۳).

٤ـ و الان ای خداوند، به تهدیدات ایشان نظر کن و غلامان خود را عطا فرما تا به دلیری تمام به کلام سخن گویند (اعمال٤:۲۹).

۵ـ زیرا او طریقی را که می‌روم می‌داند و چون مرا می‌آزماید، مثل طلا بیرون می‌آیم (ایوب۲۳:۱۰)

۵:۳ . پولس رسول جوهر آیات ۱و۲ را تکرار می‌کند: وقتیکه به تأخیر افتادن سفرش به تسالونیکیه برای او غیر قابل تحمل شد، تیموتائوس را فرستاد تا در یابد که وضعیت مسیحیان در آن طوفان جفاها چگونه است. دلواپس عظیم او این بود که مبادا شیطان به ایشان حمله کرده و آنها را فریب دهد و مانع پیشرفت روحانی آنها گردد و ایشان آسایش را با جفا عوض کنند. این امر همیشه یک وسوسه بوده است که شخصی مسیحی، وفاداری‌اش به مسیح را با راحتی شخصی عوض کند. کدامیک از ما نباید دعا کند: «خداوند مرا ببخش چون اکثر مواقع راهایی برای اجتناب از درد و رنج شاگردی تو پیدا کرده‌ام به من امروز قدرت بده تا با تو قدم بر دارم و اصلاً مهم که چه بهایی بابت آن بپردازم.»

اگر شیطان مقدسین را تحریک کند که به زندگی قبلی خود باز گردند و ایمان خود را انکار کنند، آنگاه پولس احساس خواهد کرد که محنتش بجهت ایشان باطل بوده است.

٦:۳ . تیموتائوس از تسالونیکیان مطمئن ساخت. آنها نه تنها در تعالیم ایمان مسیحی راست ایستاده بودند، بلکه همچنین در تقوا و محبت نیز سالک بودند. این آزمایش واقعیت است ـ آنها نه تنها اصول ایمانِ راست دینی مسحیت را پذیرفته بودند بلکه ایمانی را نیز که به محبت عمل می‌کند (غلاطیان۵:٦). نه فقط ایمان شما به خداوند عیسی بلکه محبت شما بجهت همهٔ مقدسین (افسسیان۱:۱۵).

آیا این چشمگیر نبود که تیموتائوس ایمان و محبت آنها را بیان کند ولی هیچ اشاره‌ای به امید آنها نکند؟ آیا شیطان اطمینان آنها به بازگشت مسیح را متزلزل ساخته بود؟ ممکن است. چنانچه ویلیام لینکوان گفته است: «اگر امید آنها ناقص بود، پولس مطمئناً در پی رفع کمبود آن به وسیلهٔ این رساله پر امیدش بود.

تیموتائوس همچنین گزارش داد که تسالونیکیان خاطرات خوبی از پولس رسول و دوستانش در ذهن دارند و اینکه آنها نگران پولس، سیلاس و تیموتائوس هستند.

۷:۳ . این خبرها به نظر مثل آب خنکی برای تشنگی جان پولس بود (امثا۲۵:۲۵). پولس با وجود همهٔ تنگدستی و رنج خود، از ایمان تسالونیکیان تسلی یافته بود.

۸:۳ . او توضیح می‌دهد، «چونکه الان زیست می‌کنیم، اگر شما در خداوند استوار هستید». این آیه چه تفسیر خوبی از فروتنی این مرد بزرگ خدا ارائه می‌دهد.

۹:۳ . کلمات از بیان شکرگزاری به خداا قلب پولس قاصر هستند. کاسهٔ خوشی او لبریز شده و هر زمان که تسالونیکیان را در حضور خدایش بیاد می‌آورد پُرتر می‌شود.

۱۰:۳ . زندگی دعایی پولس در واقع عادت همیشگی او بود و نه یک فعالیت متناوب: شب و روز. این اشتیاق شدید اوست: بی‌شمار دعا می‌کنیم. این یک دعای مخصوص بود: تا شما را روبرو ملاقات کنیم. این یک زندگی دعایی فداکارانه بود: و نقص ایمان شما را به کمال برسانیم.

ج ـ دعای خاص پولس (۱۱:۳ـ۱۳)

۱۱:۳ این باب با دعای پولس برای بزگشت به نزد ایشان به پایان می‌رسد و این درخواست خطاب به خود خدا یعنی پدر ما و خداوندمان عیسی مسیح است. پس این موضوع جمیع با یک فعلِ منفرد دنبال شده است. این طرز استفاده نشان دهندهٔ اولوهیت مسیح و یگانگی تثلیت می‌باشد.

۱۲:۳ . تسالونیکیان عملاً در نشان دادن محبت حقیقی مسیحی خوب بودند ولی همیشه جایی برای توسعه وجود دارد. و بنابراین او برای این مقیاس دعا می‌کند تا عمیقتر شود: و خداوند شما را نمو دهد و در محبت با یکدیگر. محبت آنها باید ایمانداران و همهٔ انسانها را در بر گرفته و حتی شامل دشمنانشان نیز باشد. الگوی آن باید محبتِ رسولان باشد: چنانکه ما شما را نحبت می‌نماییم.

۱۳:۳ . نتیجه محبت در این زندگی، بی‌عیب بودن در زندگی بعدی است. اگر ما یکدیگر را و همهٔ نسل بشر را محبت کنیم، در حضور خدا و پدر ما در هنگام ظهور خداوند ما عیسی مسیح، با جمیع مقدسین خود بی‌عیب در قدوسیت خواهیم بود، زیرا که محبت تکمیل شریعت است (روم۱۳:۸، یعقوب۲:۸).

شخصی این دعا را اینگونه تعبیر کرده است: «خداوند شما را بیشتر و بیشتر قادر سازد تا زندگی‌های خود را برای دیگران صرف کتید، تا او شخصیت شما را الحال مسیحی گرداند و از شما در برابر هر ادعایی دفاع کند تا هیچ چیزی نتواند به ضد شما وجود داشته باشد ...» در باب دوم ما آمدن مسیح را می‌بینیم که مراحل مختلفی دارد: یک شروع، یک دوره، یک ظهور و یک نقطه اوج دارد. این سومین مرحله است که در آیه ۱۳ به آن اشاره شده است: ظهور خداوند ما عیسی مسیح، با جمیع مقدسین خود. تخت داوری مسیح در آسمان است. پاداشها محیا شده‌اند. ولی این پاداشها به همه، زمانظاهر خواهد شد که نجات دهنده به عنوان شاه‌شاهان ورب‌الارباب به زمین باز گردد. مقدسین در اینجا احتمالاً یعنی آن ایماندارانی که در زمانربوده شدن به آسمان بالا برده شده‌اند (اول تسالونیکیان ۱٤:٤). بعضی فکر می‌کنند که این یعنی فرشتگان ولی وینسنت (Vincent) می‌گوید که این اشاره به قوم مقدس و جلال یافته خدا دارد. او اشاره می‌کند که فرشتگان در این رساله هیچ نقشی ندارند ولی به آن ایمانداران جلال یافته، دقیقاً با موضوعی که تسالونیکیان سر آن مشکل داشته مطابق بود. او اضافه می‌کند، «این شامل حضور فرشتگان در بازگشت خداوند است، ولی وقتی پولس از چنین حضوری سخن می‌گوید عنوان می‌کند، با فرشتگان قوت خود چنانچه در دوم تسالونیکیان ۷:۱ می بینیم.

۳ـ نصایح عملی (۱:٤ـ۲۲:۵)

الف. تقدسی که اراده خدا را به انجام می‌رساند (۱:٤ـ۸)

۱:٤ . کلمهٔ خلاصه به این معنی نیست که پولس به پایان نامه‌اش نزدیک شده است. این کلمه اغلب اوقات نشان دهندهٔ تفسیر موضوع می‌باشد، چنانچه در اینجا موضوع به نصایح عملی تغییر می‌کند.

سه کلمهٔ برجسته در پایان باب سوم، تقدس، محبت و آمدن بودند. اینها سه موضوع اساسی باب چهارم هستند: ۱ـ تقدس (آیات۱ـ۸)، ۲ـ محبت (آیات۹،۱۰) و ۳ـ آمدن (آیات۱۳ـ۱۸). زمینه اصلی دیگر سعی و کوشش است (آیات۱۱،۱۲).

باب چهارم با یک درخواست مبنی بر گام برداشتن در تقدس برای رضای خدا شروع می‌شود و با اشاره به مقدشین خاتمه می‌پذیرد. احتمالاً پولس داشت به خنوخ فکر می‌کرد که این را نوشت. به این تشابه توجه کنید: ۱ـ خنوخ با خدا راه می‌رفت (پید۵:۲٤ الف). ۲ـ خنوخ خدا را راضی ساخت (عبر۱۱:۵ب). و ۳ـ خنوخ بالا برده شد (پید۵:۲٤ب، عبر۱۱:۵الف). پولس رسول به ایمانداران حکم می‌کند که مقدس باشند و از آنها می‌خواهد که به کنند. تقدس یک روند است و نه یک دستاورد.

۲:٤ . وقتی پولس با ایشان بود، مکرراً با اقتدار خداوند عیسی به آنها حکم کرده بود که باید خدا را بوسیله زندگیهای مقدس خود خشنود سازند.

۳:٤ . اراده خدا برای قومش تقدس ایشان است. تقدیس یعنی جدا شدن برای استفاده ملکوتی. به یک مفهوم، همهٔ ایمانداران از دنیا جدا شده‌اند تا برای خداوند خدمت کنند؛ این به عنوان تقدیس وابسته به موقعیت است و کامل می‌باشد (اول قرنتیان۱:۲، عبر۱۰:۱۰).

بهر حال، در مفهومی دیگر، ایمانداران باید خود را تقدیس کنند و این یعنی آنها باید خود را از همهٔ اَشکال گناه جدا سازند؛ این به عنوان روند یا فرآیند تقدیس شناخته می‌شود. این روندی است که تا زمان مرگ ایماندار یا بازگشت خداوند ادامه می‌یابد. این همان مفهوم دوم کلمه‌ای است که در آیه ۳ یافت می‌شود. (به بحثی که در رابطه با تقدیس در ۲۳:۵ یافت می‌شود نگاه کنید).

گناه خاصی که پولس بر ضد آن هشدار می‌دهد عمل رابطه نامشروع جنسی است، و در این قسمت احتمالاً همان زنا است. این یکی از گناهان اخلاقی دنیای بی‌دین است. این هشدار که از زنا بپرهیزید، امروزه خیلی بیشتر از روزهای قرن اول کلیسا مورد نیاز است.

٤:٤ برنامهٔ مسیحی برای همه است همه بدانند چگونه باید ظرف خویشتن را در قدوسیت و عذت دریابد. کلمهٔ ظرف در این آیات می‌تواند به معنی همسر یا بدن خود انسان باشد. این کلمهٔ در اول پطرس ۷:۳ برای همسر و در دوم قرنتیان۷:٤ برای بدن بکار رفته است.

ترجمهٔ (RSV) آن را برای همسر بکار می‌برد: «تا هر کس از شما بداند چگونه باید همسر خویشتن را در قدوسیت و عزت دریابد.»

ترجمه (NEB) نظریه بدن را به عنوان معنی کلمهٔ ظرف پذیرفته است: «تا هر کس از شما بداند چگونه باید ظرف خویشتن را در قدوسیت و عذت دریابد.»

اگر ما اجازه بدهیم که متن تصمیم بگیرد، پس ظرف یعنی همسر شخص. تعلیم این است که هر انسان باید با همسرش با احترام و محبت رفتار کند و هرگز وارد هیچگونه ورطه‌ای از بی‌وفایی نگردد. این آیه دستور داشتن یک همسر را تقویت می‌کند و آن را به عنوان ارداه خدا برای بشر بیان می‌کند. (اول قرنتیان۲:۷ را نیز نگاه کنید)

۵:٤ . نظر مسیحیان در رابطه با ازدواج در ضدیت شدید با نظریه بی‌دینان است. چنانچه یک مفسر گفته است: «وقتی که عیسی دستش را بر زنی نهاد (لوقا۱۳:۱۳) او راست شد ولی وقتیکه یک مرد بی‌دین یک زن را لمس می‌کند، او کج می‌شود.»

امتها به رابطه جنسی تحت عوان ارضای هوس شهوت خود نگاه می‌کنند. برای آنها عفت یک ضعف می‌باشد و ازدواج یعنی گناه را شروع کردن. آنها بوسیلهٔ گفتگوهای کثیف و نوشته‌های شهوت انگیز خود بر دیوارهای عمومی، شرم خود را جلال می‌دهند.

٦:٤ . فساد جنسی گناه است به ضد روح‌القدس خدا (اول قرنتیان۱۹:٦)؛ این گناهیست به ضد بدن خود شخص زانی (اول قرنتیان۱۸:٦)؛ ولی این گناه همچنین بر ضد دیگر اشخاص نیز می‌باشد. بنابراین پولس اضافه می‌کند: و تا کسی در این امر دست تطاول یا طمع بر برادر خود دراز نکند. به بیانی دیگر، یک مرد مسیحی نباید پشت عمل ازدواج قائم شده و به زن برادر خویش طمع بورزد. اگر چه این تجاوزات باعث ایجاد غم و مشکلات ذهنی و جسمی زیادی در زندگی می‌شود ولی این‌ها در مقایسه با نتایج ابدی نشان هیچ هستند، اگر این تجاوزات اعتراف نشده و بخشیده نشوند. پولس از قبل به تسالونیکیان در این مورد هشدار داده است. یکی از بهترین نویسندگان انگلیسی قرن نوزدهم دچار گناه جنسی شده و در خفت و خواری در زندگی مِرد. او می‌نویسد:

خدا به من همه چیز داده بود. ولی من اجازه دادم که طمع مرا به آسانی گرفتار سازد ... من که از بارهای زندگی خسته شده بودم به دنبال احساس جدیدی به راه افتادم. ...من در مورد زندگی دیگران بی‌دقت پیش رفتم. من در جاییکه لذت مرا خشنود می‌ساخت آن را برگزیدم و یادم رفت که همهٔ اعمال کوچک من در طول روز شخصیت مرا می‌سازند. من یادم رفت که این حلقهٔ مرموز، روزی دورِ من خواهد پیچید. من دیگر کاپیتان جان خود نبودم و این را نمی‌دانستم. من اجازه دادم که لذت بر من چیره شود. من در خفتی وحشتناک کار خود را به اتمام رساندم.

او چنانچه پولس می‌گوید نسبت به زندگی بی‌دقت پیش رفت و به همسر برادر طمع ورزید.

۷:٤ . خدا مار را بر پایهٔ ناپاکی اخلاقی نخوانده است بلکه تا زندگی مقدس و پاکی داشته باشیم. او ما را از چاه مستراح خوانده است و شروع کرده به روند تقدس در ما تا ما را هر چه بیشتر به شباهت خود درآورد.

۸:٤ . هر کس که این دستوالعمل را رد کند به سادگی انسان را حقیر می‌شمارد چنانچه پولس تعلیم می‌دهد؛ او خودِ خدا را رد کرده و حقیر می‌شمارد ـ یعنی کسی را که روح‌القدس را عطا نموده است. کلمهٔ مقدس در اینجا با تأکید بیان شده است. چگونه یک شخص می‌تواند در گناه جنسی گرفتار شود اگر روح‌القدس در او ساکن باشد؟

توجه داشته باشید که همهٔ اقانیم تثلیث در این پارگراف نام برده شده‌اند. پدر (آیه۳)، پسر (آیه۲)و روح‌القدس (آیه۸). چه تفکر فوق‌العاده‌ای! هر سه شخصیت ذاتِ خدا در اینجا مورد توجه گرفته‌اند و در تقدیس ایمانداران نقش و اشتیاق دارند. حالا موضوع از شهوت (آیات۱ـ۸) به محبت (۹ـ۱۲) و از پرهیز به فراوانی تغییر می‌یابد.

ب. محبتی که به فکر دیگران است (٤:١٠،٩)

٤:٩ . نه تنها اینکه ایماندار بدنی کنترل شده دارد؛ او خهمچنین باید قلبی آکنده از محبت برای برادرانش در خداوند نیز داشته باشد. محبت کلید کلمهٔ مسیحیت است چنانچه گناه کلید بی‌ایمانان است.

نیازی به نوشتن برای تسالونیکیان راجع به این پرهیزکاری نمی‌باشد. آنها بوسیلهٔ خدا برای محبت دیگر برادرانِ خود، تعلیم داده شده‌اند (١یوحنا ٢:٢٧،٢٠). ایمانداران در تسالونیکیه محبت خود را بوسیلهٔ محبت دیگر مسیحیان در مکادونیه تشخیص می‌دادند. پولس بوسیلهٔ حکم کردن بدیشان در این مورد یادآوری ابدی به آنها ارائه می‌دهد.

٤:١٠ . چنانچه قبلاً نشان داده شد، محبت برادرانه یک دستاورد نیست؛ این چیزی است که ما باید دائماً آن را بکار ببریم، و بنابراین پولس ایمانداران را تشویق می‌کند تا در این فیض بیشتر و بیشتر رشد کنند.

چرا محبت برادرانه بینقدر مهم است؟ چونکه در آن محبت و یگانگی وجود دارد و در جاییکه یگانگی هست، برکات خداوند وجود دارد (مز١٣٣:١،٣).

پ. زندگی در نظر خارجیان (٤:١٢،١١)

٤:١١ . پولس مقدسین را تشویق می‌کند تا در انجام سه چیز حریص باشند. در اصطلاح امروزی سه دستور در این آیات می‌تواند اینها باشد:

١. در پی کانون توجه نباشید. به اینکه تنها مسیح شما را می‌شناسد، محبت می‌کند و پاداش می‌دهد قانع باشید اگر چه کوچک و ناشناخته بمانید.
٢. به کارهایِ خود مشغول شوید بجای اینکه در حقوق دیگران دخالت کنید.
٣. به دستهایِ خود کسب نمایید و از کسی گدائی ننمایید.

٤:١٢ . این حقیقت که ما مسیحی هستیم و منتظر آمدن مسیح می‌باشیم ما را از مسئولیتِ زندگی آزاد نمی‌سازد. ما باید به یاد داشته باشیم که دنیا ما را می‌بیند. انسانها نجات دهندهٔ ما را بوسیلهٔ ما داوری می‌کنند. ما باید بطور شایسته در برابر دیگران و خارجیان رفتار کنیم و از لحاظ مالی از آنها مستقل باشیم.

ت. امیدی که ایمانداران را راحتی می‌بخشد (٤:١٣ـ١٨)

٤:١٣ . ایمانداران عهد عتیق دانش ناقص و کمی از آنچه که به شخص در حین وفاتش روی می‌دهد داشتند. برای آنها خوابیده بهترین کلمه‌ای بود که می‌توانستند برای توصیف مردگان بکار برند، چه ایماندار و چه غیر ایماندار.

آنها اعتقاد داشتند که همه عاقبت خواهند مُرد و در پایان جهان یک قیامت وجود خواهد داشت و سپس یک داوری نهایی. مارتا تصویری از این اعتقادات ناقص را در حینی که گفت: «می‌دانم که او (الیعازر) در روز قیامت بازپسین خواهد برخاست» (یو١١:٢٤)، منعکس کرد.

خداوند عیسی حیات و بی‌فسادی را روشن پردانید بوسیلهٔ انجیل (۲تیمو۱:۱۰). ما امروزه می‌دانیم که ایماندار جدا شده است تا با مسیح در زمان مرگ خود باشد (دوم قرنتیان۵:۸) بی ایمانان به جهنم خواهند رفت (لو۱٦:۲۳،۲۲). ما می‌دانیم که همهٔ ایمانداران نخواهند مُرد، بلکه همه تبدیل خواهند شد (اول قرنتیان۱۵:۵۱). می‌دانیم که بیش از یک قیامت وجود داشت. در زمان ربوده شدن، تنها ایمانداران قیام خواهند کرد (اول قرنتیان۱۵:۲۳، اول تسالونیکیان ٤:۱٦)؛ شریران خواهند مُرد و در پایان سلطنت هزار سالهٔ مسیح قیام خواهند کرد (مکا۲۰:۵).

هنگامی که پولس برای اولین بار به تسالونیکیه رفت، به مسیحیان راجع به آمدن مسیح برای سلطنت تعلیم داد. ولی با گذشت زمان مشکلاتی در رابطه با مقدسین که مُرده بودند پیش آمد. آیا بدنهای آنها تا روز بازپسین در قبرها باقی خواهند مان؟ آیا آنها از مشارکت در آمدن مسیح و ملکوت پرجلالش محروم بودند؟ برای جواب دادن به سئوالات ایشان و بر طرف کردن ترسهایشان، پولس حالا ترتیب وقایعی را که در زمان بازگشت مسیح برای قومش بوقوع خواهند پیوست بیان می‌کند.

الگوی اما ای برادران نمی‌خواهیم شما بی‌خبر باشید برای جلب نظر خوانندگان به یک اعلان مهم مورد استفاده قرار گرفته است. در اینجا اعلان داجع به کسانی است که خوابیده‌اند که این عیسی آن دسته از ایماندارانی که وفات یافته‌اند. خوابیدن برای توصیف بدنهای مسیحیان جدا شده بکار رفته است و نه روح و جان آنها. خواب یک تشبیه معمول از مرگ است چون در مرگ، یک شخص به نظر خوابیده است. حتی کلمهٔ قبرستان از یک لغت یونانی به مفهوم «جای خواب» گرفته شده است (koimeterion). خواب یک تشبیه آشناست چ.ن هر شب ما این عمل را سمبل مرگ است انجام می‌دهیم . هر روز صبح مثل عمل قیام را نیز انجام می‌رسانیم.

کتاب‌مقدس تعلیم نمی‌دهد که جان در زمان مرگ به خواب می‌رود. مرد ثروتمند و ایلعازر هر دو مرگِ خود هشیار بودند (لو۱٦:۱۹ـ۳۱). وقتیکه ایماندار می‌میرد، با خداوند خواهد بود (دوم قرنتیان۵:۸). مردن یعنی با مسیح بودن. وضعیتی که پولس از آن تحت عنوان سود یا وضعیت خیلی بهتر نام می‌برد (فیل۱:۲۱،۲۳). این تقریباً هیچ وقت نمی‌توانست درست باشد اگر روح نیز می‌خوابید!

همچنین کتاب‌مقدس هرگز نابودی کامل بدن را تعلیم نمی‌دهد. هیچ گونه توقفی در مردن وجود ندارد. ایماندار از حیات ابدی لذت می‌برد (مر۱۰:۳۰). بی‌ایمانان از هلاکت ابدی رنج می‌برند (مر۹:٤۸، مکا۱٤:۱۱).

در رابطه با آن مقدسینی که مرده‌اند، پولس رسول می‌گوید که نیازی به ناراحتی و ناامیدی نیست. او ناراحتی و غم را ممنوع نمی‌کند؛ عیسی سر پای قبر ایلعازر گریست اگر چه می‌دانست که او پس از چند دقیقه خواهد برخاست (یو۱۱:۳۵ـ٤٤). ولی او به کسانی حکم می‌کند که غمی از روی یأس دارند و برای بهشت هیچگونه امیدی ندارند و فقط در فکر داوری هستند. عبارت دیگران که امید ندارند همواره این صحنه را به یادمان می‌آورد که عده‌ای بر سر قبر خویشاوند بی‌ایمان خود جمع شده و با گریه و زاری می‌گویند: «آه، ماری، خدای من، خدای من، ماری! » این صحنهٔ فراموش نشدنی ناامیدی بی‌ایمانان و نجات نیافتگان است.

۱٤:٤ . اساس امید یک ایماندار قیام مسیح است. درست چنانچه ما معتقدیم که عیسی مُرد و دوباره برخاست، همچنین اعتقاد داریم که آنانی که در عیسی خوابیده‌اند قیام کرده و در آمدن او سهیم خواهند بود. و «چنانکه در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت» (اول قرنتیان۱۵:۲۲). قیام او بیعانه و دلیل قیام ماست.

به عبارت خوابیدن در عیسی توجه کنید. ما این را می‌دانیم که دوست دارندهٔ جان ما به بدنهای محبوبانش در هنگام مرگ خواب عطا می‌کند.

اطمینان مثبت ما راجع به کسانی که در مسیح مرده‌اند این است که خدا آنها را با او خواهد آورد. این در دو شکل می‌تواند درک شود:

۱. می‌تواند به این معنی باشد که وقتی مسیح برای سلطنت به زمین بازگردد، خدا بدنهای ایمانداران را قیام داده و با خداوند عیسی به آسمان باز می‌گرداند.

۲. یا می‌تواند بدین معنا باشد که وقتی مسیح برای سلطنت به زمین باز گردد، خدا کسانی را که در ایمان مرده‌اند با او باز می‌گردند. به بیانی دیگر، پولس رسول دارد می‌گوید: «نگران نباشید که آن کسانی که مرده‌اند در جلال ملکوت چیزی را دست بدهند. خدا آنها را با عیسی در زمان بازگشت ثانوی خود با قوت و جلال عظیم باز خواهد آورد». (این عموماً مفهوم قابل قبولی است)

ولی این چگونه انجام می‌شود؟ بدنهای آنها حالا در قبر است. چگونه می‌توانند با عیسی بازگردند؟ ج.اب در آیات ۱۵ـ۱۷ آمده است. قبل از اینکه مسیح ملکوت خود را برقرار سازد، او باز خواهد گشت تا قوم خود را به خانهٔ آسمانی ببرد. سپس در زمانی متأخرتر، او با ایشان باز خواهد گشت.

۱۵:٤ . پولس چگونه این را می‌دانست جواب او این است: زیرا این را به شما از کلام خداوند می‌گوییم. او این را به عنوانی مکاشفه‌ای زنده از خداوند دریافت کرده بود. به ما گفته نشده است که او چگونه این مکاشفه را دریافت کرد ـ آیا بوسیلهٔ یک رویا، با یک صدا، یا الهام درونی روح‌القدس. ولی قطعاً این امر یک حقیقت ناشناخته برای انسانهای آن زمان بود.

سپس او ادامه می‌دهد تا به این توضیح برسد که وقتی مسیح بازگردد، مقدسین زنده بر مقدسین که قبلاً در مسیح خوابیده‌اند سبقت نخواهند جست یا هیچ امتیازی نسبت به آنها نخواهد داشت.

پولس در این آیه از خود به عنوان کسی که در زمان بازگشت مسیح زنده است نام می‌برد (همچنین به اول قرنتیان ۵۲،۵۱:۱۵ نگاه کنید). بهرحال، در دوم قرنتیان۱٤:٤ و ۱:۵ او از امکان بودنش در میان مردگان که برخواهند خواست سخن می‌گوید. نتیجهٔ آشکار این است که ما باید منتظر خداوند باشیم تا هر لحظه بیاید و آگاه باشیم که ما شاید برای رسیدن به آسمان از راه مرگ خوانده شده باشیم.

۱٦:٤ . ترتیب درست وقایع آمدن مسیح برای مقدسین در اینجا داده شده است. خود خداوند از آسمان نازل خواهد شد. او فرشته‌ای نخواهد فرستاد، بلکه خودش خواهد آمد!

این وقایع همراه با صدا و با اواز رئیس فرشتگان و با حضور خدا از آسمان همراه خواهد بود. توصیفات زیادی به عنوان نشانه‌هایی از کسانی که صدا خواهند زد شده است ولیبی‌پرده باید گفت که غیر ممکن است راجع به آنها بطور قطعی سخن گفت:

۱. بعضی حس می‌کنند که صدا همان صدای خداوند عیسی است که مردگان را قیام می‌دهد (یو۵:۲۵؛ ۱۱:۴۳،۴۴) و زندگان را نیز متبدل می‌کند. دیگران مثل هاج وواین می‌گویند که صدا، صدای فرشتگان بزرگ است.
۲. صدای میکاییل، رئیس فرشتگان به عنوان صدای غالب برای مقدسین عهد عتیق شناخته‌شده است چون نام او با اسرائیل آمده است (دان۱:۱۲، یهو۹، مکا۱۲:۴ـ۷). دیگران هستند که این نظریه را پیشنهاد می‌کنند که صدا، صدای فرشتگانی است که شخص وفات یافته را به آغوش خداوند می‌برند (لو۱۶:۲۲).
۳. صورِ خدا در اول قرنتیان۱۵:۵۲ نیز آمده است که مربوط به قیام ایمانداران در زمان ربوده شدن است. این صور، مقدسین را به برکات ابدی می‌خواند. این صدا نباید با هفت صور مکاشفه ۱۱:۱۵ـ۱۸ اشتباه گرفته شود که فرشتگان با آنها داوری را بر دنیا در زمان مصیبت عظیم فرود می‌آورند. آخرین صور در اینجا آخرین صدا برای کلیسا است. هفتمین صور مکاشفه آخرین صدا برای دنیای بی‌ایمان است (اگر چه هرگز آخرین صور نامیده نمی‌شود).

مردگان در مسیح اول برخواهند خاست. در این که آیا شامل مقدسین عهد عتیق می‌شود شک داریم. آنانی که فکر می‌کنند این به صدای رئیس فرشتگان اشاره دارد در واقع رابطه نزدیک آن با سرنوشت اسرائیل را در نظر می‌گیرند (دانیال۱۲:۱). آنانی که فکر می‌کنند مقدسین عهد عتیق در زمان ربوده شدن بر خواهند خاست به ما یادآوری می‌کنند که در مسیح (مردگان در مسیح) هرگز به طور ضمنی به کسانی که قبل از پیدایش کلیسا زندگی می‌کرده‌اند اشاره نمی‌کند؛ این ایمانداران قطعاً در پایان زمان مصیبت عظیم قیام خواهند کرد (دانیال۱۲:۲). در هر صورت واضح است که بطور قطعی یک قیامت وجود ندارد. همهٔ مردگان در این زمان قیام نخواهند کرد بلکه فقط مردگان در مسیح.

۱۷:٤ . سپس زندگان با ایشان در ابرها ربوده خواهند شد تا خداوند را در هوا استقبال کنند که این بای توصیف اولین مرحلهٔ بازگشت خداوند بکار رفته است و از فعلی که در ترجمهٔ لاتینی متاب‌مقدس بکار رفته است می‌توان آن را دریافت. ربوده شدن همان قاپیدن ولی در زمان آینده است. این فعل در اعمال ۸:۳۹ و در دوم‌قرنتیان ۱۲:۲،٤ و در مکاشفه بکار رفته است.

هوا در واقع محل قدرت شیطان است (افس۲:۲)، عبرانیان چنین جمعی در هوا به مفهوم پیروزی در برابر قدرت شیطان است.

به همهٔ چیزهایی که در این آیات آمده است فکر کنید! زمین و دریا خاکستر همهٔ مردگان در مسیح را تسلیم خواهند کرد. سپس معجزهٔ متبدل شدن بوسیله تبدیل شدن خاکستر به بدنهای جلال یافته به انجام خواهد رسید و این بدنها جلال یافته برای همیشه از بیماری، درد و مرگ مصون خواهند بود. سپس آنها مستقیماً به آسمان پرواز

خواهند کرد. و همهٔ اینها در یک چشم به هم زدن بوقوع خواهند پیوست (اول قرنتیان۱۵:۲۲). انسانها دنیوی به سخن پیدایش انسان را که در پیدایش ۱و۲ شرح آن آمده است باور می‌کنند. اگر آنها با پیدایش مشکلی داشته باشند، با ربوده شدن چطور ـ وقتیکه خدا دوباره میلیونها انسان را از خاکستر دوباره بنا می‌کند؟

انسانهای دنیوی مشتاق سفرهای هوایی هستند. ولی آیا می‌توانند پروازهای مسافرتی خود را با پرواز به سوی آسمان و گذشت از جو زمین مقایسه کنند؟

در ارتباط با آمدن مسیح در اینجا صدای وجود دارد که شنیده می‌شود و تصویری که دیده می‌شود و معجزه‌ای که احساس می‌شود و ملاقاتی که از آن لذت برده می‌شود و آرامش که تجربه می‌گردد.

همچنین خوب است که به تکرار مجدد کلمهٔ خداوند در این آیات توجه کنیم: کلام خداوند (آیهٔ۱۵)، آمدن خداوند (آیهٔ۱۵)، خود خداوند (آیهٔ۱٦)، ملاقات با خداوند (آیهٔ۱۷)، همیشه بودن با خداوند (آیهٔ۱۷).

برای همیشه با خداوند! چه کسی می‌تواند برکات و لذاتی که این کلمات شامل آن می‌شود را بیان کند؟

۱۸:٤ . پس بدین سخنان همدیگر را تسلی دهید. تفکر راجع به آمدن خداوند باعث ترس ایماندار نمی‌شود. این امیدی است که به ایماندار هیجان، آرامش و خوشی می‌بخشد.

نکاتی در باب نشانه‌های ایام آخر

نشانه‌های بسیاری برای اعلان نزدیک بودن واقعهٔ ربوده شدن وجود دارند. ما این نوشته‌های پایین را به عنوان کاهی در باد ملاحضه می‌کنیم:

۱. تشکیل دولت اسائیل در سال ۱۹٤۸ (لو۲۱:۲۹). درخت انجیر (اسرائیل) که پر از برگهاست (لو۲۱:۲۹ـ۳۱). برای اولین بار در طی قرون، یهودیان موجودیتی ملی در سرزمین خود یافتند. این یعنی ملکوت خدا نزدیک است.

۲. برخاستن قومهای بسیار دیگری (لو۲۱:۲۹). عیسی پیشگویی کرد که نه فقط درخت انجیر بریده خواهد شد بلکه درختهای دیگر نیز. ما اخیراً شهادت دادیم که دولتهای استعمارگر از بین خواهند رفت و این یک آغاز جدید برای یک ملت جدید است.

۳. بازگشت اسرائیل به سرزمین در کمال ناباوری (حز۳٦:۲٤،۲۵). حزقیال پیشگویی کرد که فقط پس از بازگشت ایشان خواهد بود که می‌توانند از گناهانشان پاک شوند. اسرائیل امروزه قومی بزرگ و منکر خدا هستند؛ و فقط عده کمی از آنها یهودیان راست دین می‌باشند.

٤. جابجایی جهانی (مکا۱۷،۱۸). ما درک می‌کنیم که بابل عظیم از لحاظ سیاسی، مذهبی و اجتماعی و نظامی بسیار بزرگ است و در آنها افرادی وجود دارند که ادعا می‌کنند مسیحی هستند و شاید کاتولیک یا پرتستان باشند. عالم مسیحیت در آنجا مرتد شده‌اند (۱تیمو٤:۱، دوم تسالونیکیان ۲:۳) و وارد قلمرو کلیسای دنیوی شده‌اند.

۵. نزول جهان شمول روحانی (۱تیمو٤:۱ـ۳). در این زمان، این مشکل از نقاط عظیم جهان خواهد روئید.

۶. سقوط بنیادی معیارهای اخلاقی (۲تیمو۳:۱ـ۵). روزنامه‌ها، هر روز بسیاری از این وقایع را گزارش می‌کنند.
۷. خشونت و نا اطاعتی داخلی (دوم تسالونیکیان ۲:۷،۸). روح بی‌قانونی در خانه‌ها حکمفرما خواهد بود و همچنین در زندگی عادتی و حتی در کلیسا.
۸. مردم به شکل دینداری ولی منکر قدرت آن (۲تیمو۳:۵).
۹. روح ضد مسیح (۱یو۲:۱۸) که در جوامعی که فرهنگ غلطی درند و ادعا می‌کنند مسیحی هستند ولی همهٔ آموزه‌های اساسی ایمان را رد می‌کنند، بر می‌خیزد. آنها با مکانت جعلی فریفته می‌شوند (۲تیمو۳:۸)
۱۰. گرایش به اتحاد قومها در روزهای آخر. پول واحد اروپایی‌ها که بر پایهٔ آنچه از الگوی رومی‌ها شناخته شده است می‌تواند حکومت روم را نمایان سازد ـ ده انگشت آهنین و خاکی (دان۲:۳۲ـ۳۵).
۱۱. انکار وعده‌های خدا در مورد راه داوری (دوم پطرس۳:۳،۴).

به همهٔ اینها نشانه‌هایی از قبیل زلزله‌ها در کشورهای مختلف، تهدیدات جهانی، قحطی و افزایش خصومت میان قومها را می‌توان اضافه کرد (متی ۲۴:۶،۷) شکست دولتها برای استحکام بخشیدن، قوانین و از میان برداشتن تروریزم، آب و هوای مساعدی را برای ظهور یک دیکتاتور جهانی مهیا می‌کند. ساخته شدن مهمات جنگی و اسلحه‌های هسته‌ای معنای بیشتری به این سوال ما می‌بخشد: «چه کسی قادر است با استفاده از آن جنگ ایجاد نماید؟» وحش (مکا۱۳:۴) امکانات تلویزیون جهانی می‌تواند به مفهوم محقق شدن نوشته‌های کتاب‌مقدس راجع به وقایع سیارهٔ ما باشد (مکا ۱:۷).

اکثر این وقایع قبل از بازگشت مسیح به زمین برای سلطنت به وقوع خواهند پیوست. کتاب‌مقدس نمی‌گوید که اینها قبل از ربوده شدن ایمانداران به وقوع خواهند پیوست، بلکه قبل از ظاهر شدن او در جلال. اگر چنین باشد و اگر ما، الان به اینها گرایش داشته باشیم، پس اینست که ربوده شدن باید قریب‌الوقوع باشد.

ت ـ روز خداوند (۵:۱ـ۱۱)

۵:۱ . معلمین کتاب‌مقدس اغلب اوقات برای باب بندی کتاب‌مقدس عذرخواهی می‌کنند و توضیح می‌دهند که موضوع می‌بایست بدون قطع شدن ادامه پیدا می‌کرد. ولی در اینجا باب بندی مناسب است. پولس یک موضوع جدید را شروع می‌کند، او بحث خود راجع به ربوده شدن را کنار گزارده و سراغ روز خداوند می‌رود. کلماتی که در این خصوص ترجمه شده‌اند. (یونانی: peri de) نشان دهنده خط فکری جدیدی هستند چنانچه در اول قرنتیان نیز مشاهده می‌شود.

برای ایمانداران حقیقی ربوده شدن امیدی راحت بخش است ولی برای کسانی که در مسیح نیستند چه مفهومی دارد؟ این به معنی آغاز دوره‌ای است که در اینجا با عناوین وقتها و زمانها به آن اشاره شده است. این دوره اساساً در ماهیت خود یهودی است. در طی این زمان، خدا رفتار خود را با قوم اسرائیل را از سر نو بنا می‌کند و وقایع زمان آخر که انبیای عهدعتیق پیشگویی کردند به تحقق خواهند پیوست. وقتیکه رسولان از عیسی پرسیدند در چه

زمانی ملکوتش را برقرار خواهد ساخت، او جواب داد که برای آنهایست که زمانها و اقات را بدانند (اعما ۷:۱). به نظر می‌آید که زمانها و وقتها شامل دوره زمانی که ملکوت بر زمین برقرار می‌شود نیز هستند. پولس احساس می‌کرد که نیازی به نوشتن برای تسالونیکیان راجع به زمانها و وقتها نمی‌باشد. برای یک چیز، مقدسین به وسیله آنها تحت تأثیر قرار می‌گرفتند؛ آنها قبل از شروع این دوره به آسمان برده خواهند شد.

همچنین زمانها و وقتها و روز خداوند موضوعاتی هستند که در عهدعتیق یافت می‌شوند. ربوده شدن یک سِر است (اول قرنتیان۵۱:۱۵)، هرگز تا زمان رسولان مکشوف نشده بود.

۲:۵ . مقدسین راجع به روز خداوند می‌دانستند. آنها آگاه بودند که زمان دقیق آن شناخته شده نیست، و اینکه زمانی می‌آید که حداقل انتظار آمدن آن وجود دارد. پولس از گفتن روز خداوند چه منظوری داشت؟ منظور او قطعاً روز بیست و چهارساعتی نبود، بلکه یک دوره زمانی با مراحل مشخص.

در عهدعتیق، این الگو برای توصیف زمانهای داوری، ویرانی و تاریکی بکار رفته است (اش ۱۲:۲؛ ۹:۱۳–۱۶؛ یو۲:۱،۲). این زمانی است که خدا بر ضد دشمنان اسرائیل برخاسته و آنها را بطور خواح هلاک می‌کند (زکر۳:۸ ـ۱۲؛ یو ۳:۱٤ـ۱٦؛ عو۱۵ـ۱۷؛ زکر۱۲:۸،۹). ولی این همچنین زمانی است که خدا قومش را برای ارتداد و خیانت هلاک می‌کند (یو۱:۱۵ـ۲۰؛ عا۵:۱۸؛ زکر۱:۷ـ۱۸). اساساً این از داوری گناهان و پیروزی خداوند سخن می‌گوید (یو۲:۳۱،۳۲) و برکات مخصوص بقیه وفادار را از پیش اعلان می‌کند.

در آینده، روز خداوند تقریباً همان دوره‌ای را شامل می‌شود که زمانها و وقتها در این آیه بدان اشاره می‌کند. این روز پس از زمان ربوده شدن شروع شده و شامل این مراحل می‌باشد:

۱. مصیبت عظیم ـ زمان تنگی یعقوب (دان۹:۲۷، ار۳۰:۷، متی۲٤:٤ ـ۲۸، دوم تسالونیکیان ۲:۲، مکا٦:۱ـ۱٦:۱۹).

۲ . آمدن مسیح با مقدسینش (ملا٤:۱ـ۳؛ دوم تسالونیکیان ۱:۷ـ۹).

۳ . سلطنت هزار سالهٔ مسیح بر زمین (یو۳:۱۸؛ زکر۱٤:۸،۹)

۴ . نابودی نهایی آسمانها و زمین بوسیلهٔ آتش (دوم پطرس۳:۷،۱۰).

روز خداوند زمانی است که یهوه بطور کامل در امور بشر مداخله می‌کند. این امر بوسیلهٔ داوری دشمنان اسرائیل و مرتدین و رهایی قوم خود بوسیلهٔ بر قرار ساختن ملکوت مسیح و صلح و سلامتی و جلال خودش به انجام خواهد رسید.

پولس رسول به خوانندگان خود یادآوری می‌کند که روز خداوند چون دزد در شب می‌آید. این روز کاملاً غیر منتظره خواهد بود و جهان در آن زمان بطور کامل بدون آمادگی خواهد بود.

۳:۵ . این روز همچنین غیر منتظره، به شکل اجتناب ناپذیری و فریبنده خواهد آمد. امنیت و فضای مورد اعتمادی در جهان حکمفرما خواهد بود. سپس داوری خدا یکدفعه شروع خواهد شد. ویرانی به معنی کم شدن از موجودات یا انهدام نیست. ویرانی یعنی نبود موجودات یا از بین رفتن آنها تا جاییکه به ماهیت وجود آنها مربوط

می‌شود. این روز اجتناب ناپذیر و غیر قابل انکار است چنانچه درد زه زن حامله را فرد می‌گیرد آن روز نیز چنین است. برای بی‌ایمانان هیچ راه فراری از این داوری وجود ندارد.

٤:٥ . بسیار حائز اهمیت است که توجه داشته باشیم ضمایر "ایشان" و "برای ایشان" در آیات قبلی به "شما" و "ما" در آیات بعدی تبدیل می‌شوند. روز خداوند زمانی خواهد بود که غضب خدا بر دنیای نجات نیافتگان ریخته خواهد شد. ولی این برای ما چه مفهومی دارد؟ جواب این است که ما دیگر در خطر نیستیم چون دیگر در تاریکی نیستیم.

این روز همچون دزدی در شب می‌آید (آیهٔ۲). تنها راهی که می‌تواند آن را تفسیر کرد همانا آمدن دزد است و تنها کسانی که در شب (تاریکی) بسر می‌برند در آن زمان غافلگیر نخواهد کرد چون آنها در ظلمت نیستند. در خواندن این آیه برای بار اول به نظر می‌آید که روز خداوند ایمانداران را نیز غافلگیر می‌کند ولی نه مثل یک دزد. ولی اینطور نیست. آن روز چون دزد بر ایمانداران نخواهد آمد چون مقدسین هستند و در نور ابدی سالک هستند.

٥:٥ . همهٔ مسیحیان پسران نور و پسران روز هستند. آنها از شب و ظلمت نیستند. این حقیقت است که ایماندان را از داوری خدا بر دنیا به خاطر رد کردن فرزندش فرود خواهد آمد، مصون نگاه می‌دارد. داوریهای خداوند فقط بر کسانی وارد خواهد شد که از لحظاظ اخلاقی در تاریکی و از لحاظ روحانی در شب هستند و از خدا بیگانه می‌باشند.

وقتیکه در اینجا می‌گوید مسیحیان پسران روز هستند به این معنی نیست که آنها پسران روز خداوند می‌باشند. پسران روز بودن یعنی قومی که در قلمروی عدالت اخلاقی ساکن هستند. روز خداوند زمان داوری بر کسانی است که به قلمرو ظلمت متلق هستند.

٦:٥ . سه آیهٔ بعدی ایمانداران را دعوت می‌کند تا بر طبق وضعیت عالی خود زندگی کنند این یعنی اعتدال و متانت. ما باید بر ضد وسوسه‌ها، تنبلی، رخوت و حواس پرتی هشیار باشیم. ما باید بطور مثبت برای بازگشت خداوند همواره هشیار باشیم.

بیداری در اینجا فقط به معنی بیدار بودن در گفتگوها نیست بلکه به همه چیز حتی خوردن و نوشیدن نیز اشاره می‌کند.

٧:٥ . در قلمروی طبیعی، خوابیدن با شب مقایسه می‌شود بنابراین در قلمروی روحانی، سهل‌انگاری نشانهٔ شخصیت کسانی است که پسران ظلمت هستند که این یعنی نجات نیافتگان.

انسانها ترجیح می‌دهند که در شب مست شوند؛ آنها تاریکی را بیشتر از نور دوست دارند چون اعمالشان بد است (یو۳:۱۹). اسم "کلوپ شبانه" مربوط به همین الگوی نوشیدن و مست کردن در ظلمت شبانه می‌باشد.

٨:٥ . آنانی که از روز هستند باید در نور گام بردارند چنانچه او در نور ساکن است (۱یو۱:۷). این یعنی محکومیت و ترک کردن گناه، و فروتنی به هر شکل ممکن. این همچنین یعنی پوشیدن زره مسیحی و حفظ آن زره شامل جوشن ایمان و محبت و خودِ امید نجات است. به بیانی دیگر، زرهٔ مسیحی ایمان، محبت و امید است ـ سه اصل اساسی شخصیت مسیحی. ضروری نیست که به جزئیات خود و جوشن بپردازیم. پولس رسول به سادگی دارد

می‌گوید که پسران نور باید زره‌ای محافظ برای حفظ یک زندگی دیندارانه را به تن داشته باشند. آنچه که ما را از فساد برای حفظ این دنیا که از طریق شهوت است حفظ می‌کند چیست؟ ایمان، یا توکل به خدا. محبت برای خداوند و یکدیگر. امید بازگشت مسیح.

بی‌ایمانان	*ایمانداران*
(آنها)	*(شما)*
خوابیدگان	*بیدارها*
مستان	*هشیاران*
از شب	*ظلمت*
پسران نور	*پسران روز*
غافلگیر شدن بوسیلهٔ روز خداوند که	*غافلگیر نشده بوسیلهٔ روز خداوند که*
همچو دزد در شب می‌آید	*همچو دزد در شب می‌آید*
فرو گرفته شده توسط هلاکت همچو	*برگرفته نشده با غضب بلکه نجات یافته*
زن حامله‌ای که درد زه دارد	

;۹:۵ . ربوده شدن دو جنبه دارد، نجات و غضب. برای ایماندار به معنی تکیل نجات در آسمان است. برای بی‌ایمان به معنی راهنمایی در زمان غضب بر زمین می‌باشد.

از آنجاییکه ما از روز هستیم، خدا ما را تضمین نکرده است برای غضب بلکه بجهت تحصیل نجات و در زمان مصیبت عظیم ما که نجات یافته‌ایم بر زمین نخواهیم بود ـ برای همیشه از حضور گناه رهایی خواهیم یافت.

بعضی در اینجا غضب را اشاره به هلاکتی که بی‌ایمانان در جهنم از آن رنج خواهند برد درک کرده‌اند. البته این درست است که خدا ما را برای آن مقرر نکرده است ولی بی‌دلیل است که این تعلیم را در اینجا بیاوریم. پولس دربارهٔ جهنم سخن نمی‌گوید بلکه وقایع آینده‌ای که بر زمین اتفاق خواهند افتاد. متن با روز خداوند سر و کار دارد ـ بزرگترین دوره غضب در تاریخ انسان بر روی زمین (متی ۲۱:۲۳). ما کاری با جلاد نداریم بلکه سر و کارمان با نجات دهنده است.

بعضی می‌گویند که مصیبت عظیم شیطان است (مکا۱۲:۱۲) و نه غضب خدا. ایشان می‌گویند که کلیسا غضب شیطان را تجربه خواهد کرد ولی از غضب خدا در حین بازگشت ثانوی مسیح رهایی خواهند یافت. بهر حال، آیات بعدی از غضب خدا و بره سخن می‌گوید و غضب ایشان در طی دوران مصیبت عظیم خواهد بود: مکاشفه ۱۷،۱٦:٦؛ ۱۹،۹:۱٤؛ ۷،۱:۱۵؛ ۱۹،۱:۱٦.

۱۰:۵ . این آیه بر ارزش والایی که خداوند ما عیسی مسیح برای رهایی ما از غضب پرداخته است تأکید می‌کند. او برای ما مُرد تا خواه بیدار باشیم و خواه خوابیده، همراه وی زیست کنیم.

دو راه برای فهم عبارت خواه بیدار باشیم و خواه خوابیده وجود دارد. بعضی محققیت آن را به معنا "مرده یا زنده" در زمان ربوده شدن درک می‌کنند. ایشان اشاره می‌کنند که دو ن.ع ایماندار در این زمان وجود خواهد داشت ـ

آنانی که در مسیح مرده‌اند، و آنانیکه هنوز زنده هستند. بنابراین تعلیم این است که اگر چه ما در میان زندگان و مردگان در حیت بازگشت مسیح باشیم، با وی زیست خواهیم کرد. مسیحیان که می‌میردند هیچ چیز را از دست نمی‌دهند. خداوند این را به مارتا توضیح داد: «من قیامت و حیات هستم؛ هر کس به من ایمان آرد، اگر مرده باشد زنده گردد (مسیحی که قبل از ربوده شدن مرده باشد از میان مردگان قیام خواهد کرد). و هر که زنده باشد و به من ایمان آورد (ایمانداری که در زمان ربوده شدن زنده باشد) تا به ابد نخواهد مُرد (یو۱۱:۲۵،۲٦). نظریه دیگری که بوسیله محققین پیشنهاد شده است این است که بیدار و خوابیده یعنی "هشیار یا دنیوی". به بیانی دیگر، پولس دارد می‌گوید که اگر چه ما از لحاظ روحانی آگاه یا ناآگاه باشیم، برای ملاقات خداوند بالابرده خواهیم شد. نجات ابدی ما بستگی به زیرکی ما در حین زندگیمان بر روی زمین ندارد. اگر ما حقیقتاً تغییر گرایش داده باشیم، با او تا به ابد زیست خواهیم کرد و این اتفاق از زمان بازگشت مجدد او شروع خواهد شد. وضعیت روحانی ما پاداشهای ما حکم می‌دهد ولی نجات ما به ایمان به مسیح به تنخایی بستگی دارد. آنانیکه نظریه دوم را قبول می‌کنند اشاره دارند که کلمهٔ بیدار همان کلمه‌ای است که در آیهٔ ٦، هشیار ترجمه شده است. کلمهٔ خوابیده در آیات ٦و۷ به معنی ناآگاهی از چیزهای ملکوتی و منطبق با دنیا (شراب) می‌باشد ولی این همان کلمه‌ای نیست که در ۱۵،۱٤،۱۳:٤ به معنای مرگ آمده است.

۱۱:۵ . در تصویر زیبایی که از نجات داریم و در محبت عظیمی که برای نجات دهنده داریم و در نور آمدن قریب‌الوقوع او ما باید یگدیگر را با تعلیم و نصیحت و پند، ترغیب و تشویق کنیم و باید یکدیگر را با کلام خدا و محبت بنا کنیم. چون ما در ابدیت با هم زیست خواهیم نمود باید با یکدیگر و برای یکدیگر در یگانگی زیست کنیم.

ج ـ نصایح مختلف به مقدسین (۱۲:۵ـ۲۲)

۱۲:۵ . شاید مشایخ کلیسای تسالونیکیه آنانی را که کم کاری نموده و از روی بیکاری پدسه می‌زدند توبیخ کرده بودند. و هیچ شکی نیست که آنها توبیخ مشایخ را نیز نپذیرفته بودند. برای همین بود که پولس می‌خواهد ایمانداران از مشایخی که آنها را هدایت می‌کند اطاعت کنند.

وقتیکه پولس از مقدسین می‌خواهد که بشناسند آنانی را که در میان ایشان زحمت می‌کشند منظورش این است که به آنها و راهنمایی‌های روحانی‌شان احترام گذاشته و اطاعت کنند. این از کلمات روبرو روشن می‌شود: «و پیشوایان شما در خداوند بوده، شما را نصیحت می‌کنند». مشایخ، شبانانی هستند که به گوسفندان خدا خدمت می‌کنند. مسئولیت آنها تعلیم، هشدار و نصیحت و رهبری است.

این آیه یکی از بسیاری از آیاتی است که در عهدجدید برای نشان دادن این وجود دارد که در کلیسای رسولان یک نفر حاکم و همه کاره نبوده است. گروهی از مشایخ در هر جماعت کلیسایی وجود داشته‌اند. چنانچه دنی (Denney) توضیح می‌دهد:

در تسالونیکیه هیچ رئیس و هیچ خادمی در مفهوم امروزی آن وجود نداشت که مسئولیت همه چیز را بر عهده داشته باشد؛ ریاست در دستان عده‌ای از انسانها بود. بهر حال، عدم یک شبانی در کلیسای رسولان، قانون همه شبانی در کلیسا را نیز تأکید نمی‌کند. جماعت کلیسایی نباید خود کامه یا اشراف‌سالار باشند.

۱۳:۵ . مشایخ به عنوان نمایندگان خداوند خدمت می‌کنند. کار ایشان کار خداست. برای این دلیل به آنها می‌بایست محبت و احترام زیادی نهاد. توضیح "و با یکدیگر صلح کنید" یک نوشته اتفاقی نیست. اکثر مشکلات مسیحیان در همه جا عدم صلح با یکدیگر است. هر ایمانداری در خودش به اندازه کافی جسمانیت دارد تا بتواند در کلیسا تفرقه و خرابی ایجاد کند. فقط زمانی که ما بوسیلهٔ روح‌القدس تجهیز شویم می‌توانیم با محبت و افتادگی و مهربانی و تحمل و بخشش، صلح را ایجاد کنیم. تهدید مشخصی که برای صلح پولس راجع به آن هشدار می‌دهد تشکلات و گروه‌گرایی در اطراف مشایخ انسانی است.

۱٤:۵ . به نظر می‌آید که این آیه خطاب به رهبران روحانی جماعت کلیسایی باشد؛ این آیه بدیشان می‌گوید که چگونه با مشکلات برادران کنار بیایند:

۱. سرکشان را تنبیه نمایید ـ آنانی که با جماعت همراه نشده و اصرار دارند که بوسیلهٔ رفتار غیر مسئولانه خود به صلح ضربه وارد سازند. در اینجا سرکشان کسانی هستند که از کار کردن سرباز می‌زدند. ایشان مانند کسانی هستند که در دوم تسالونیکیان ۳:٦ـ۱۲ راجع به ایشان توضیح داده شده است که ناهنجار رفتار نموده و کار نمی‌کردند بلکه فضول می‌باشند.

۲. کوتاه دلان را دلداری دهید ـ آنانی که دائماً برای بلند شده از مشکلات و سختی‌هایشان نیاز به تشویق و ترغیب دارند و برای خداوند قاطعانه حرکت نمی‌کنند. ترجمه کینگ جیمز (KJV)، کم عقل را عنوان می‌کند. اُکینجا می‌گوید: «اگر این کلمه به معنی کم عقل باشد ما هنوز هم می‌توانیم آنها را دلداری دهیم. به نظر می‌آید آنها وقتی انجیل موعظه می‌گردید جمع می‌شدند». و آیا این یک تکریم برای انجیل نیست و کلیسای مسیحی نمی‌باشد؟ حداقل یک مکان وجود دارد که چنین افرادی می‌توانند دلسوزی، محبت و رسیدگی بیابند.

۳. ضُعَفا را حمایت کنید ـ این یعنی کمک به آنانی که از لحاظ روحانی، جسمانی و اخلاقی ضعیف هستند. کمک روحانی به کسانی که از لحاظ ایمانی ضعیف هستند در واقع منظور اصلی این گفته است و ما نباید از آن مفهوم کمک مالی را بیرون بکشیم.

٤. با جمیع مردم تحمل کنید ـ نشان دادن فیض بردباری وقتیکه دیگران به عصبانیت و تحریک کردن گرایش دارند.

۱۵:۵ . حالا پولس با همهٔ مسیحیان صحبت می‌کند و آنها را از هرگونه تفکر تلافی جویانه منع می‌کند. عکس‌العمل طبیعی در قبال ضربه خوردن، ضربه زدن است. ولی یک مسیحی باید در چنان ارتباطی با خداوند عیسی باشد که به صورتی فوق‌العاده عکس‌العمل نشان دهد. به بیانی دیگر، او از روی غریزه مهربانی و محبت به دیگر ایمانداران و حتی بی‌ایمانان نشان می‌دهد.

۱٦:۵ . شادی می‌تواند تجربه همیشگی یک مسیحی باشد حتی در سخت‌ترین شرایط چون مسیح منشا و دلیل شادی می‌باشد و مسیح کنترل کننده شرایط است. بطور اتفاقی، "پیوست شادمان باشید" در نسخه یونانی عهد جدید کوتاه‌ترین آیه است در حالیکه "عیسی بگریست" کوچکترین آیه در ترجمه انگلیسی است.

۱۷:۵ . دعا باید یک رفتار همیشگی برای مسیحیان باشد ـ نه اینکه او نسبت به همهٔ وظایف خود بی‌خیال شده و خود را تماماً به دعا بسپارد. او در زمانهای مشخص دعا می‌کند؛ همچنین هر وقت که نیاز باشد او دعا خواهد نمود؛ و از ارتباط با خداوند بوسیله دعا نیز لذت خواهد برد.

۱۸:۵ . شکرگزاری از خدا باید احساس بومی مسیحیان باشد. اگر رومیان ۲۸:۸ درست است پس می‌باید قادر باشیم که خداوند را در همه شرایط و در هر وقت و برای همه چیز شکر کنیم.

این سه رفتار نیکو به کلیسای مسیح به ترتیب فرمان داده شده‌اند. اینها اراده خدا در حق ما در مسیح عیسی را به ما نشان می‌دهند. کلمات در مسیح عیسی به یاد ما می‌آورد که او این چیزها را در حین زندگی و خدمت زمینی خود به ما تعلیم داده و بر طبق آنچه که تعلیم می‌داد رفتار نیز می‌نمود. بوسیله تعلیم و نمونه او، ما می‌توانیم اراده خدا را راجع به شادی، دعا و شکرگزاری را که در مسیح برایمان مکشوف شده است نظاره‌گر باشیم.

۱۹:۵ . چهار آیه بعدی به نظر با رفتار در جماعت کلیسایی سروکار دارند.

روح را اطفا کردن یعنی سرکوب کردن کار ا در حدود انسانی و مانع شدن در برابر او. گناه، روح را اطفا می‌کند. سنتها روح را اطفا می‌کنند. قوانین انسانی و آداب و رسوم در پرستش، روح را اطفا می‌کنند. شقاق، روح را اطفا می‌کند. شخصی گفته است: «نگاه‌های سرد، کلمات تحقیرآمیز، سکوت، بی‌اعتنایی نیز روح را اطفا می‌کند درست چنانچه عیبجویی و عدم همدردی به اطفا روح منجر می‌شوند». (ریرای Ryrie) می‌گوید که روح زمانی اطفا می‌شود که خدمت وی در کلیسا یا جمع منع شود.

۲۰:۵ . اگر ما این آیه را به آیه قبلی مربوط بسازیم، سپس تعیم این گونه می‌شود که اگر ما نبوتها را خوار بشماریم در واقع روح را اطفا کرده‌ایم. برای مثال، برادر جوانی ممکن است جملهٔ ناهنجاری را در جمع بگوید. بوسیله انتقاد کردن از او بطوری که وی از خدمتش برای مسیح شرمنده شود ما روح را اطفا می‌کنیم.

در مفهوم اصل عهد جدیدی، نبوت یعنی سخن کفتن با کلام خدا. گفتار الهام شده انبیا برای ما در کتاب‌مقدس عنوان شده است. در مفهوم دوم، نبوت یعنی گفتن فکر خدا که برای ما در کتاب‌مقدس مکشوف گردیده است.

۲۱:۵ . ما باید آنچه که می‌شنویم ارزیابی کرده و آنچه نیکو است و درست و راست را حفظ کنیم. معیار ما برای آزمایش تعالیم و موعظات، کلام خداست. سو استفاده و تجاوزاتی در طول زمان می‌تواند پیش آیه خصوصاً در جایی که برای سخن گفتن برادران مختلف، روح آزاد باشد. ولی اطفا روح راهی برای علاج این تجاوزات نمی‌باشد.

چنانچه دکتر دِنی نوشته است:

«یک جلسه باز، در آزادی بوت و در جمعی که هر کس می‌تواند برطبق آنچه روح می‌بخشد سخن گوید یکی از نیازهای ضروری کلیسای جدید است».

۲۲:۵ . از هر نوع بدی احراز نمایید می‌توانند به معنی زبانها، تعالیم و نبوتهای غلط باشد یا می‌تواند به مفهوم بـدی در معنی عام آن باشد.

پیرسون (Pierson) اشاره می‌کند که هفت ساختار فکری برای مسیحیان در آیات ۱٦ـ۲۲ وجود دارد:

۱. ساختار پرستشی (۱٦). یافتن همهٔ رفتارهای مناسب برای پرستش خدا.
۲. ساختا دعایی (۱۷). دعا نباید هرگز نامناسب و بی‌هدف باشد.
۳. ساختار شکرگزاری (۱۸). حتی در شرایطی که جسممان در وضعیت خوبی نیست.
٤. ساختار روحانی (۱۹). ایماندار باید پر از آزادی باشد و این در درون او دیده شود.
۵. ساختار تعلیمی (۲۰). هر طریقی که خدا برای استفاده ما برگزیده.
٦. ساختار یهودی (۲۱). با اول یوحنا٤:۱ مقایسه کنید. همه چیز را بوسیله کلام خدا امتحان کنید.
۷. ساختار مقدس (۲۲). اگر بدی در ذهن شماست، از آن آزاد شوید.

٤ ـ تحیات پایانی به تسالونیکیان (۲۳:۵ـ۲۸)

۲۳:۵ . حالا پولس برای تقدیس مسیحیان دعا می‌کند. منشا این دعا خدای سلامتی است. مجال تقدیس در کلمـات بالکل یافت می‌شود که یعنی همهٔ قسمتهای وجود. این آیه بوسیله بعضی برای اثبات آموزه تقدیس کلی در خدمت بکار برده شده است ـ که یک ایماندار می‌تواند در این زندگی خود کاملاً بی‌عیب و بی‌گناه باشد. بهر حال، ایـن آن چیزی نیست که پولس دعا می‌کرد بلکه او دعا کرد که خود خدای سلامتی شما را بالکل مقدس گردانـد. او بـرای از بیخ کنده شدن گناه و طبیعت گناه آلود دعا نکردن بلکه تقدیس که همهٔ بخشهای وجود ایماندار را فـرا بگیـرد ـ روح و جان و بدن.

نکاتی در باب تقدیس

چهار مرحله برای تقدیس در عهدجدید آمده است که تغییر گرایش، تغییر وضعیت، تغییر عملکرد یا روند و کمال می‌باشد.

۱. حتی قبل از اینکه شخصی نجات یابد، در وضعیتی از امتیاز ظاهری جدا می‌شود. بنابراین ما در اول قرنتیان ۱٤:۷ می‌خوانیم که شوهر بی‌ایمان بوسیله زن ایماندار مقدس می‌شود. این تقدیس قبـل از تغییـر گـرایش می‌باشد.
۲. هرگاه شخصی تولد تازه می‌یابد، از لحاظ وضعیتی بوسیله پرهیزکاری و احادش با مسیح تقدیس می‌شـود. این یعنی که او از دنیا برای خدا جدا می‌شود. این امر به متونی مثل اعمال ۱۸:۲٦؛ اول‌قرنتیان۲:۱؛ ۱۱:٦؛ و دوم‌تسالونیکیان۱۳:۲ و عبرانیان ۱۰:۱۰،۲٤ اشاره دارد.

۳. ول پس از آن تقدیس مبنی بر پیشرفت و روند وجود دارد. این جدا شدن ایماندار برای خدا از دنیا و گناه در زمان حال است. این روندی است که بوسیله آن شخصی هر چه بیشتر به شباهت مسیح در می‌آید. این تقدیس است که پولس در اینجا برای تسالونیکیان مد نظر دارد. این امر همچنین در اول‌تسالونیکیان٤:٣،٤؛ دوم تیموتائوس ۲:۲۱ نیز یافت می‌شود. این بوسیله روح‌القدس زمانیکه ما مطیع کلام خدا می‌شویم روی می‌دهد (یو۱۷:۱۷ ، دوم قرنتیان۱۳:۱۸). چنین تقدیس عملی، روندی است که باید تا زمانیکه ایماندار بر زمین است ادامه بیابد. یک ایماندار هرگز به درجه کمال یا بی‌عیبی بر روی زمین نخواهد رسید ولی باید همیشه برای رسیدن به این هدف تلاش کند.

٤. تقدیس کامل به آخرین وضعیت ایماندار در بهشت اشاره می‌کند. وقتیکه او می‌رود که با خداوند باشد از گناه برای همیشه کاملاً آزاد خواهد شد (۱یو۳:۱ـ۳).

پولس رسول همچنین برای محافظت تسالونیکیان دعا می‌کند. این حفاظت باید شامل کل شخصیت ایشان گردد ـ روح و جان و بدن. به این ترتیب توجه نمایید. انسان همیشه می‌گوید جسم، جان و روح. خدا همیشه می‌گوید روح، جان و جسم. در خلقت اصل روح در درجه اول اهمیت بود و جسم آخر. گناه ترتیب را بر هم زد؛ انسان برای جسم زندگی می‌کند و روح را نادیده می‌گیرد. وقتیکه ما برای دیگری دعا می‌کنیم، باید ترتیب کتاب‌مقدس را دنبال کنیم و تشکیلات روحانی را قبل از نیازهای جسمانی قرار دهیم.

از این آیه و آیات دیگر واضح ایت که ما موجوداتی سه جزیی هستیم. روح ما بخش است که ما را قادر می‌سازد تا با خدا ارتباط داشته باشیم. جان ما با احساسات، آرزوها، تأثیرات و گرایشات ما سر و کار دارد (یو۱۲:۲۷). جسم ما خانه‌ای است که شخصیت ما در آن ساکن می‌باشد (دوم قرنتیان۵:۱).

همهٔ قسمتهای ما نیاز به تقدیس کلی دارند. مفسری راجع به نیازهای تقدیس این نظریات را پیشنهاد کرده است:

۱. روحی که همه چیز می‌تواند آن را آلوده سازد (دوم قرنتیان۷:۱)؛ هر چیزی می‌تواند مانع شهادت روح‌القدس در ارتباط ایماندار با خدا شود (روم۸:۱٦)؛ یا هر چیزی را که مانع پرستش می‌شود (یو٤:۲۳؛ فیل۳:۳).

۲. جانی که از افکار بد سرچشمه می‌گیرد (متی۱۵:۱۸،۱۹)؛ و اشرهای جسمانی که بر ضد آن می‌جنگد (اول پطرس۲:۱۱) و کشمکش و درگیری (عبر۱۲:۱۵).

۳. بدنی که ناپاک است (اول تسالونیکیان ٤:۳ـ۸) و برای کارهای بد از آن استفاده می‌شود (روم٦:۱۹). بعضی انکار می‌کنند که یک بی‌ایمان، روح داشته باشد. شاید آنها بر این اساس این امر را مطرح می‌سازند که روح آنها حقیقتاً مرده است (افس۲:۱). بهر حال این حقیقت که نجات نیافتگان از لحاظ روحانی مرده‌اند به این معنی نیست که آنها روح ندارند. این بدین معنی است که ایشان مرده‌اند البته بتا جاییکه به خدا مربوط است. روحهای ایشان نشان خیلی زنده باشد ولی برای مثال حکمهٔ پوشیده برای آنها بکار رفته است ولی آنها نسبت به خدا مرده‌اند. لنسک (Lenski) هشدار می‌دهد:

«بسیاری با یک مسیحیت جزئی قانع می‌شوند و بعضی از قسمتهای زندگیشان هنوز با جهان پیش می‌رود. هشدارهای مداوم رسولان به ما طبیعتمان را یادآور می‌شود بنابراین هیچکس از ما نمی‌توانیم از تقدیس فرار کنیم.»

دعا پیش میرود تا به جایی می‌رسد که پولس رسول آرزو دارد تقدیس خدا همهٔ قسمتهای وجود و شخصیت ایمانداران را در بر گرفته و ایشان در وقت آمدن خداوند ما عیسی مسیح مقدس و بی‌عیب محفوظ باشند. این به نظر اشاره به تحت داوری مسیح دارد که پیش از ربوده شدن خواهد آمد. در آن زمان شخصی ایماندار مسییحی برای زندگی و خدمت و شهادت خود پاداش می‌گیرد و یا پاداش گرفته یا از نگرفتن پاداشها رنج می‌برد.

۲٤:۵ . چنانچه در ۳:٤ آموختیم، تقدیس ما اراده خداست. او ما را دعوت نموده تا در نهایت در حضور او بی‌عیب بایستیم. او که این عمل را در ما آغاز نموده، آن را به پایان خواهد رسانید (فیل۱:٦). او که ما را دعوت کرده است امین می‌باشد.

۲۵:۵ . چنانچه پولس به پایان نامه‌اش نزدیک می‌شود، از مقدسین می‌خواهد که برایش دعا کنند. او هرگز دعا را نادیده نمی‌گیرد و ما نیز نباید این کار ار انجام دهیم. دعا نکردن و ترک دعا بجهت دیگران گناه است.

۲٦:۵ . سپس او از همهٔ برادران می‌خواهد که یکدیگر را به بوسهٔ مقدسانه تحیت نمایدند. در آن زمان، این طریقه معمول تحیات بود. در بعضی از کشورها هنوز بوسیدن مرد با مرد و زن با زن مرسوم می‌باشد. در حالیکه در بعضی از فرهنگها برعکس است و مرد و زند یکدیگر را می‌بوسند. ولی عملی بیش از بوسه می‌تواند موجب لغزش شخص شود. بوسه بوسیلهٔ خداوند به عنوان شکلی تأیید شده از تحیت یا تعلیم بوسیلهٔ رسولان به عنوان اصلی لازم داده نشده است. کتاب‌مقدس به وضوح دیگر اشکال تحیت گفتن را در جاییکه بوسه می‌تواند منجر به لغزش جنسی شود مجاز می‌شمارد. روح خدا در پی محافظت از ماست و براین تأکید می‌کند که بوسه باید مقدسانه باشد.

۲۷:۵ . پولس رسول بطور رسمی حکم می‌کند که این رساله برای جمیع برادران مقدس خوانده شود. دو مورد در اینجا باید مورد توجه واقع شود:

۱. پولس نامه را با اقتدار کلام خدا اعطا کرده است. عهدعتیق در کنایس و در جمع خوانده می‌شد، حالا این رساله باید با صدای بلند در کلیساها خوانده شود.
۲. کتاب‌مقدس برای همهٔ مسیحیان است و نه فقط در چرخه‌ای یا سطحی خاص. این حقیقت است برای همهٔ مقدسین.

دنی (Denney) حکیمانه می‌گوید:

«هیچ چیزی که برای نیل به حکمت یا نیکویی انسان باشد وجود ندارد که بوسیلهٔ انجیل نقض شود؛ و هیچ چیز در کلیسا مانع این چیزها نمی‌شود بلکه نوشته‌های مقدس و استفاده از آنها ما را تشویق می‌کنند که حکمت را تحصیل کنیم پس می‌بایست این نوشته‌ها برای همهٔ برادران خوانده شوند.»

توجه داشه باشید که در آیات ۲۵ـ۲۷ ما سه کلید برای یک زندگی مسیحی موفق داریم: ۱) دعا ۲) محبت برادران ۳) خواندن کلام خدا

۲۸:۵ . بالاخره ما پایان اختصاصی پولس را داریم. او نامهٔ اول خود به تسالونیکیان را با صفین آغاز نمود و حالا آن را با همان محتوا به اتمام می‌رساند. مسیحیت پولس رسول، فیض از آغاز تا انتها می‌باشد. آمین.

پایان